

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

جوزای ۱۳۹۵ (جون ۲۰۱۶)

شماره (۲۷)

دور دوم

سخنی با دانشجویان!

هر وظیفه مبارزاتی مان باید در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده قرار گیرد!

تظاهرات اخیر دانشجویان دانشگاه (پوهنتون) هرات بخاطر قتل نظام الدین "شریفی" محصل سال چهارم دیپارتمنت ادبیات دری، توسط نوید و امید فرزندان غلام رسول قصاب که پدرشان خسر برادر کامران علیزائی (رئیس شورای ولایتی هرات) است
صفحه ۲

گزارشی از راهپیمائی محصلین و توده های مردم

به علت قتل یک تن از محصلین در هرات

تا زمانی که جنایت کاران و میهن فروشان بر مسند قدرت تکیه زده باشند وضعیت کشور روز به روز بدتر گردیده، قتل و جنایت گسترش می یابد. زیرا رژیم پوشالی و اشغالگران امپریالیست حامی جنایت کاران اند.

صفحه ۴

صفحه ۶

اطلاعیه (دعوت به راهپیمائی)

علاج کار در انهدام رژیم پوشالی است نه پروسه صلح!

گلبدین حکمتیار، آخرین مهره نیروهای احزاب هفت گانه "جهادی" در کشور است که در صورت تسلیمی به نیروهای امریکائی و ادغام وی در پروسه صلح جاری در کشور، دوسیه کامل احزاب هفت گانه جهادی نزد امپریالیستهای اشغالگر تکمیل میشود. صفحه ۷



اطلاعاتی در مورد بالن های ردیاب موشک های

کروز، با سیستم حسگر مشبک! (صفحه ۹)

Information about "Joint Land attack cruise missile defense Elevated Netted Sensor" (JLENS)



سخنی با دانشجویان!

هر وظیفه مبارزاتی مان باید در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده قرار گیرد!



تظاهرات اخیر دانشجویان دانشگاه (پوهنتون) هرات بخاطر قتل نظام الدین "شریفی" محصل سال چهارم دیپارتمنت ادبیات دری، توسط نوید و امید فرزندان غلام رسول قصاب که پدرشان خسر برادر کامران علیزائی (رئیس شورای ولایتی هرات) است، نشان داد که دانشجویان باید در برابر تمامی حوادث کشور هوشیار و بیدار باشند. زیرا سکوت بیشتر در برابر جنایات جاری در کشور تضمین تداوم مصیبت، قتل و کشتار مردم کشور است. محصلین ما باید هوشیار و بیدار باشند تا اجازه ندهند سرنوشت کشور و مردمان کشور به بازی گرفته شود. محصلین ما پوتانسیل عظیم مبارزاتی را در خود دارند که در صورت انسجام تشکیلاتی شان و بسیج فشرده صفوف شان میتوانند بر خرمن هستی جنایتکاران و ارازلی که در خان یغمای اشغالگران امپریالیست تکیه زده‌اند یورش برده و خرمن هستی بیدادگران تاریخ را به باد دهند.

تظاهرات کنونی دانشجویان، عبارت از خواست صنفی شان به شمار میرود که برای اعاده حیثیت دانشگاه و علیه بی حرمتی که به محیط آکادمیک شان به بار آمده است، میباشد. اما باید دانست که دادخواهی از رژیم مفلوک و فاسدی که در سطح جهان از بابت فساد در صدر جدول قرار دارد، جایی را نخواهد گرفت. رژیم دست نشانده‌ای که توسط جان کری وزیر امور خارجه امریکا روی کار آمده، نمیتواند حداقل خواست صنفی آنها را برآورده سازد. گرچه درین تظاهرات، والی هرات به تمام محصلینی که روبروی دفتر ولایت تجمع کرده بودند، اطمینان داد که عاملین قضیه که عبارت از شش نفر میباشند را دستگیر کرده‌اند. اما سوال اینجاست که چرا نوید و امید، دستگیر نگردیده‌اند؟! دلیلش روشن است.

طبق گزارشات، یک نفر دیگر بنام عارف نیز در قتل و مجروح ساختن محصلین دست داشته است. ولی سه نفر فوق الذکر (نوید، امید و عارف) هیچکدام شان تا کنون دستگیر نگردیده‌اند، زیرا، رژیم دست نشانده کنونی عامل و حامل چنین باندبازی‌هاست و خود زمینه ساز چنین حرکت هاست و آنرا تا سطح اختلافات ملیتی و منطوقی دامن میزند، رژیم است غرق فساد و مرکب از خائنین ملی میهن فروش! پس از چنین رژیمی نباید توقع داشت.

بلی دانشجوی عزیز!

کشوری که در آن زندگی میکنیم، کشوری است مستعمره

– نیمه فئودال که امپریالیست های اشغالگر امریکائی و متحدین شان این کشور را توسط نیروهای نظامی مهاجم تحت اشغال در آوردند و یک رژیم دست نشانده را در آن شکل داده‌اند، از آغاز حملات نظامی تجاوزگرانه اشغالگران در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی حدود پانزده سال میگذرد و در طول این مدت اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان برای به بردگی کشیدن توده های مردم و استمرار حاکمیت ضد مردمی شان، خلق های کشور را در ددمنشانه ترین شکل مورد سرکوب، قتل و غارت قرار داده‌اند. بدون مبالغه میتوان گفت که متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و جانیان بومی حاکم بر افغانستان، در جنایت، قساوت، جباریت و ستمگری در صف اول ستمگران تاریخ قرار گرفته‌اند. همانطوری که محرومیت و ستمدیدگی مردمان این مرز و بوم کمتر مثل و مانندی دارد.

دانشجویان ما باید بدانند که پیروزی را میتوان کسب کرد، اما **کسب این پیروزی مستلزم سه گزینه است: دانستن، خواستن و توانستن!**

بدون آگاهی نمیتوانیم از بن بست ها بگذریم. دانشجویان ما باید پیشینه تاریخی کشورشان را بدانند، مناسبات حاکم اقتصادی بر جامعه را مطالعه کنند، تضادهای اجتماعی کشورشان را ارزیابی نموده و شرایط کنونی جامعه را به بررسی بگیرند و تحت این دانش و آگاهی‌شان به بسیج فشرده مردمی دست زنند و توده ها را سازماندهی نمایند و با دعوت همگانی و تنظیم اقشار وسیع و خلق ستم‌دیده اعم از کارگران و دهقانان زیر درفش پیش‌آهنگ انقلابی‌شان تمامی جویبار نارضایتی را علیه رژیم میهن فروش هدایت کنند، علیه حاکمیتی که با امپریالیزم همدستی میکند و منافع ملت را به هراج گذاشته و به تاراج میبرد و منافع عمومی خلق ستم‌دیده ما را میفروشد به پاخیزند، علیه حاکمیتی که بر مردمان کشور ظلم و ستم روا میدارد ایستادگی کنند و با چنین حرکتی است که میتوانند به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی دست یابند.

آیا مبارزه با چنین حاکمیتی که دار و ندار مردم ما را به تاراج میبرد لازم نیست؟ بدیهی است که باید علیه چنین حکومتی حتما مبارزه شود و این مبارزه چنان ابعاد وسیعی به خود اتخاذ نماید که نه تنها پایه‌های رژیم مزدور کنونی را به لرزه در آورد بلکه آنرا در نهایت امر از ریشه ساقط نماید.

آنچه را که امروز کشور و مردمان کشور ما بدان ضرورت دارند، مقاومت رزمجویانه علیه اشغالگران امپریالیست است. با در نظر داشتن تجارب غنی که از گذشتگان ما به ارث مانده است، با در نظر داشتن شکستها و پیروزی‌های گذشته مان، معتقد و مصمم هستیم که امپریالیزم اشغالگر را در هم می‌شکنیم و هیچگونه میهن فروشی را تحمل نخواهیم کرد و نخواهیم گذاشت که انقلاب ما به شکست روبرو شود. جوانان سراسر کشور ما باید بیدار و هوشیار باشند و با هوشیاری و بیداری کامل مصمم گردند که پیروزی و موفقیت از آن‌شان است.

دانشجویان ما باید به این سوال مهم پاسخ گویند که انقلاب افغانستان علیه چه چیزی متوجه است؟ آماج عمده انقلاب چه کسانی اند؟ چه کسانی انقلاب میکنند؟ نیروی عمده انقلاب کیست؟ خصلت انقلاب افغانستان چیست؟

جهت روشنی برای دانشجویان مان باید بگوییم که انقلاب افغانستان علیه امپریالیستهای اشغالگر و رژیم دست نشانده متوجه است و در شرایط کنونی افغانستان، آماج انقلاب افغانستان همانا اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده شان هستند و اگر بخواهیم به تمام حق و حقوق خود دست یابیم باید امپریالیستهای اشغالگر و خاینین ملی را در هم بکوبیم و درین میان مردمان عادی کشورمان هستند که میتوانند انقلاب کنند و انقلاب را به پیش سوق دهند و نیروی عمده انقلاب افغانستان عبارت از کارگران، دهقانان اند که با اتحاد کلیه افراد طبقات دیگری که تمایل به مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده شان را دارند، می توانند اشغالگران را قهرا از کشور بیرون رانده و رژیم دست نشانده را از قدرت به زیر کشند و انقلاب شانرا به پیروزی رسانند. انقلابی که تحت رهبری پیش‌آهنگ زحمتکشان به پیش برده می‌شود، همانا انقلاب بورژوا - دموکراتیک طراز نوین است، و این را نیز میدانیم که بورژوازی قادر به سرانجام رساندن آن نیست، بلکه این انقلاب در اثر تلاش مساعی کارگران و توده های وسیع زحمتکش خلق سرزمین‌مان است که میتوانند به سرانجام رسد.

هدف انقلاب چیست؟ هدف آن تامین استقلال افغانستان از طریق اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده در مسیر سرنگونی کلی سلطه امپریالیزم بر کشور که در شرایط فعلی، هدف عمده مبارزه ما را نیز تشکیل میدهد و تمامی وظایف مبارزاتی دیگر باید در پیوند با آن و در تابعیت از آن پیش برده شود. همچنان سرنگونی حاکمیت نیمه فئودالیزم و بورژوازی کمپرادور و استقرار حاکمیت دموکراتیک توده‌های وسیع خلق کشور، عمدتا دهقانان و در راس کارگران، برپایه پیشبرد انقلاب ارضی و مصادره سرمایه دلال است که هدف انقلاب را تشکیل میدهند.

بدین مناسبت است که تاکید می‌کنیم تمام جوانان افغانستانی باید به خروج شجاعانه و رزمجویانه از زیر درفش اردو و پولیس پوشالی و همچنان ترک بی تفاوتی ها و فرار طلبی ها از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانده‌گان شان، روی آورند. زیرا با تامین استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و پیشروی مداوم در مسیر انقلاب است که فردای مان شگوفان و پر بار، بری از سلطه امپریالیستها و مرتجعین و خاینین ملی دست نشانده‌شان خواهد بود و فردایی سرشار از آزادی و بهروزی را پیش روی خواهیم داشت.

گزارشی از راهپیمائی محصلین و توده های مردم به علت قتل یک تن از محصلین در هرات

سیروس: ۲۲ جوزای ۱۳۹۵

تا زمانی که جنایت کاران و میهن فروشان بر مسند قدرت تکیه زده باشند، وضعیت کشور روز به روز بدتر گردیده، قتل و جنایت گسترش می یابد. زیرا رژیم پوشالی و اشغالگران امپریالیست حامی جنایت کاران اند.

به تاریخ ۲۰ جوزا ۱۳۹۵ نظام الدین شریفی ولد کمال الدین محصل سال چهارم دیپارتمنت ادبیات دری دانشگاه (پوهنتون) هرات توسط افراد اوباش و قروتک های خیابانی (افراد لومپن) به شکل وحشیانه مورد ضرب و شتم چاقو قرار گرفت و به قتل رسید و سه نفر دیگر از محصلین به شدیدترین وجه زخمی گردیدند که وضعیت یک نفرشان وخیم است.

قضیه ازین قرار است:

چند نفر از محصلین از سه سال به این طرف در سرک قل اردوی سابق، منطقه خواجه مراد بخش، اتاق دارند. آن ها چندین روز متواتر توسط اشخاص رذل و اوباش مورد تحقیر و توهین قرار می گیرند. روز پنجشنبه ۲۰ جوزای ۱۳۹۵ برای شان مهمان می آید و مهمان ساعت ۷ عصر جهت گرفتن سودا از اتاق بیرون می شود، در این اثنا با افراد اوباش روبرو می گردد و مورد حمله اشخاص اوباش قرار می گیرد و او را با ضرب چاقو زخمی می سازند و پس از زخمی شدن او بالای اتاق محصلین حمله می نمایند. محصلین این وضعیت را که می بینند دروازه و پنجره های اتاق را می بندند. افراد اوباش شیشه های اتاق را خورد می کنند. محصلین از ترس به لیلیه زنگ می زنند و جریان را بازگو می کنند. اوباش ها از اتاق دور می شوند و به مسجد می روند. آن گاه یکی از محصلین، می تواند فرد زخمی را به شفاخانه انتقال دهد.

پس از تماس تلفنی با لیلیه، چند نفر از محصلین لیلیه به دروازه اتاق رفقای خود می رسند، تا از ماجرا با خبر شوند، در این اثنا تعدادی از اوباشان که از مسجد بیرون می شوند، الله اکبر گفته با کارد و چاقو به محصلینی که جز قلم چیز دیگری ندارند بطور وحشیانه حمله می کنند؛ این دومین حمله بالای محصلین به شمار می رود. در این زمان نظام الدین "شریفی" به ضرب چاقو به قتل می رسد و دو تن دیگرشان به شدت زخمی می شوند، محصلین به پولیس زنگ می زنند و پولیس سر می رسد.

پولیس یک تن از قاتلین را دستگیر می نماید، ولی توسط برادر کامران علیزایی رئیس شورای ولایتی هرات آزاد می گردد. پولیس دو محصل و یک پدر و پسر را دستگیر می کند و با خود می برد. محصلین شب را زندانی اند و صبح جمعه آزاد می شوند.



در همان شب " کمیته دفاع از حقوق محصلین " اطلاعیه ای پخش می نماید و از تمامی روشنفکران و مردم علم دوست می خواهد که برای "دادخواهی" در راهپیمائی روز شنبه که تدارک چیده شده، شرکت نمایند.

روز شنبه ۲۲ جوزا محصلین و مردم، جنازه نظام الدین شریفی را از شفاخانه حوزه وی هرات گرفته و به سمت ولایت راهپیمایی نمودند. در این تظاهرات حدود سیصد نفر اشتراک نموده بودند. جنازه با این شعار ها حمل می گردید:

را بکشند و سه نفر را به شدت زخمی نمایند و دولت از کنار آن مانند قتل فرخنده به سادگی بگذرد.» در جایی دیگر ذکر گردیده بود:

« ۱ - ما خواهان محاکمه علنی عاملین قتل نظام الدین هستیم.

۲ - باید محرکین اصلی قضیه شناسایی و به پنجه قانون سپرده شود.»

به همین ترتیب در قطعنامه ذکر گردیده بود که: «ما از دستگاه عدلی و قضایی می‌خواهیم که مانع فشار زورگویان و مافیا جهت مسکوت گذاشتن قضیه قتل نظام الدین شوند»

محصلین (دانشجویان) باید بدانند: همانطوری که در ابتدای قطعنامه‌شان آمده، دولت همان‌گونه که از کنار قضیه قتل فرخنده به آسانی گذشت، از کنار این قضیه هم به سادگی می‌گذرد. زیرا برای دولت و اراکین بلند پایه اش هم‌اکنون دقیقاً معلوم است که محرک قضیه و قاتلین چه کسانی اند. دولت ممکن برای خاموش نمودن این آتش شعله ور شده چند روز قضیه را مانند قتل فرخنده پی‌گیری نماید و حتی مجرمین را دستگیر نماید. اما همین که محصلین و فامیل مقتول آرام گردید، دوسیه بسته شود و مجرمین رها گردند.

محصلین (دانشجویان) باید بدانند که دولت متشکل از قاتلین، باند های مافیایی، میهن فروشان و دزدان است. از چنین دولتی بیش از این توقعی نباید داشت و داد خواهی از چنین دولتی فقط خود فریبی ای بیش نیست. شاعر می‌گوید:

آخر ای مظلوم از مظلومی چون خود یاد کن

چونکه بینی ظالم از ظالم حمایت می‌کند

آه مظلوم همچو آتش در میان پنبه است

گر، فتد اینجا و آنجا هم سرایت می‌کند

برای دادخواهی باید میان مردم رفت و چهره جنایت‌کاران، قاتلین، میهن فروشان، متجاوزین جنسی ... و حامیان شان را که همانا اشغالگران و رژیم دست‌نشانده است افشا نمود.

یگانه راه بیرون رفت مسلح شدن به دانش سیاسی و اتحاد همه زحمت‌کشان برای مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیش‌آهنگ انقلابی شان می‌باشد.

مرگ بر اشغالگران!

مرگ بر دولت دست‌نشانده!

پیش‌به‌سوی مقاومت ملی مردمی انقلابی

• مرگ بر مافیا، مرگ بر فساد - مرگ مرگ مرگ!

• سکوت در مقابل جنایت، جنایت است!

• ما محصلین پوهنتون هرات خواهان عدالت هستیم!

• عدالت عدالت عدالت، امنیت امنیت امنیت!

• تبعیض و تعصب بر محصل دیگر بس است!

• جنایت در حق محصل خاموش کردن علم و دانش است!

• ما خون شهید نظام الدین را نمی‌بخشیم!

• ما محصلان پوهنتون هرات خواهان به محاکمه کشانیدن قاتلین این جنایت قبیح هستیم!

• خون نظام الدین خشک نخواهد شد!

• مرگ بر مفسدین!

• مرگ بر باند مافیا!

جنازه نظام الدین را تا مقابل درب ولایت رساندند و همان شعارها را برای چندین بار سر دادند. در این اثنا متوجه شدم که چند نفر از اقارب نظام الدین با یک تن از افراد ریاست "امنیت ملی" صحبت داشتند. نفر امنیت گفت: «من داخل اتاق محصلین شدم. از وضعیت اتاق شان معلوم می‌شد که افراد بی بضاعت و غریب اند.» او صحبت‌هایش را چنین ادامه داد: «طبق تحقیقات به عمل آمده قاتل شخصی است بنام عارف. این آدم بی نهایت خطرناک است، چندین دوسیه قتل و آدم‌ربایی دارد. هر زمانی که دستگیر شده توسط پول و وسیله از محکمه آزاد گردیده است. چون واسطه اش کلان است، محاکمه نمی‌شود.» درست اشاره اش به رئیس شورای ولایتی هرات بود.

بعد از دقایقی قطعنامه "کمیته دفاع از حقوق دانشجویان (محصلین)" به خوانش گرفته شد و دوباره شروع به شعار دادن نمودند و همان شعارهایی که در بالا بدان اشاره کردم را با صدای بلند در مقابل دروازه دفتر ولایت رژیم دست‌نشانده سر دادند.

در قطعنامه آمده بود که: «دولت و اراکین بلند پایه دولتی نسبت به محیط اکادمیک بی اعتنا اند، همین بی اعتنایی شان سبب می‌شود تا چند نفر اوباش به محصلین حمله نمایند، یک تن

اطلاعیه ذیل از طرف « کمیته دفاع از حقوق محصلین (دانشجویان) » نشر گردیده است و ما درین شماره از پیکار جوانان به نشر مجدد آن اقدام میکنیم.

اطلاعیه (دعوت به راهپیمائی)



هموطنان گرامی، شهروندان شهیدپرور شهر هرات باستان!

بدینوسیله به اطلاع عموم همشهریان عزیز شهر هرات میرسانیم اینکه:

ازچندی بدینسو، به تمامی محصلین و دانشجویان عزیزی که از سراسر کشور به هرات مصروف درس و تعلیم هستند، بی حرمتی هائی به انواع گوناگون صورت میگیرد، اما محصلین ما و دانشجویان عزیزما همیشه کوشیده اند که با آگاهی کامل بدان برخورد کنند. متأسفانه عصر دیروز یک تن ازین محصلین بنام **نظام الدین ولد کمال الدین محصل سال چهارم دیپارتمنت ادبیات دری دانشگاه (پوهنتون) هرات** بر اثر ضربات چاقو از طرف اشخاص اوباش و قروتک به قتل رسیده و دو نفر دیگر از محصلین عزیزما زخمی شده و عازم شفاخانه شده اند. اما متأسفانه شخص مورد نظر آزادانه گشت و گذار میکند!!

این مسئله میرساند که دولت و اراکین بلندپایه دولتی بی اعتنا به محیط آکادمیک بخصوص پوهنتونها هستند و بی اعتنائی شان باعث میشود که یک مشت قروتک و اوباش به محصلین حمله کنند، بکشند، زخمی کنند و دولت هم از کنار آن بی اعتناء بگذرد!

بدین اساس ما میخواهیم با دادخواهی از دانشجویانی که در اثر این ضرب و شتم کشته و زخمی شده اند، دست به راه پیمایی بزیم و درین میان از تمامی استادان، دانشجویان، هنرمندان، عکاسان، خبرنگاران، کارگران، کسبه کاران، تجار ملی و سایر اقشار وسیع اجتماعی احترامانه تقاضا نمودیم تا درین راه پیمائی دادخواهانه ما را تنها نگذارند و ما را همراهی کنند.

کمیته دفاع از حقوق دانشجویان (محصلین) خواهان دادخواهی هستند!

تاریخ برگزاری: شنبه ۲۲ جوزای ۱۳۹۵

زمان برگزاری: ساعت ۷ صبح

محل برگزاری: روبروی دروازه ولایت هرات { ما راهپیمائی خود را از دروازه شفاخانه حوزوی هرات شروع خواهیم کرد }

" کمیته دفاع از حقوق دانشجویان (محصلین) "

علاج کار در انهدام رژیم پوشالی است نه پروسه صلح!



رهبری عبدالعلی مزاری در سال ۱۹۸۹ میلادی گردآمدند و جذب آن گشتند و سپس حزب وحدت خود را بعنوان نماینده ملیت هزاره های افغانستان اعلام نمود.

و اما موضوع پروسه صلح کنونی که رژیم دست نشانده آنرا به پیش میبرد، موضوع مذاکره با گلبدین حکمتیار میباشد که اخیرا تیترا خبری روزنامه ها و رسانه های کشور قرار گرفته است. گرچه بازار پروسه صلح بسیار داغ است اما میتوان گفت در صورتیکه گلبدین حکمتیار به این پروسه گردن نهد و در صف اشغالگران و رژیم پوشالی قرار گیرد، دوسیه تیم هفت گانه احزاب جهادی نزد اشغالگران تکمیل میشود. بصورت خلاصه میتوان از رهبران این احزاب چنین یادآوری نمود:

1. صبغت الله مجددی (رهبر جبهه نجات ملی افغانستان) از آوان جمع شدن خائنین ملی در بن، عضو جناح اشغالگران بوده و یکی از جناح های شامل در پروسه بن (آلمان) به شمار میرود. وی بعنوان خاین ملی نزد تاریخ و توده های کشور تثبیت گردیده است.
2. برهان الدین ربانی (رهبر حزب جمعیت اسلامی افغانستان) نیز از جمله کسانی بود که در رکاب اشغالگران حرکت کرد و در تشکیل رژیم دست نشانده اشغالگران مدد رساند. وی از حامیان پر و پاقرص رژیم پوشالی به حساب میرفت. او نیز یکی از خائنین ملی در نزد توده های کشور تثبیت شده بود و بالاخره در اثر عملیات انتحاری طالبان در داخل کشور از میان رفت و نام او بعنوان خاین ملی ثبت تاریخ کشور گردید.

3. عبدالرب رسول سیاف (رهبر اتحاد اسلامی افغانستان) نیز از جمله رهبران جهادی کشور محسوب میشود که در رکاب اشغالگران همراه شد و مبلغ و مروج رژیم دست نشانده گردید. وی نیز از جمله خائنین ملی کشور محسوب میشود و نزد تاریخ و توده های مردم بعنوان خاین ملی ثبت میباشد.

4. پیر سید احمد گیلانی (رهبر محاذ ملی اسلامی افغانستان) اخیرا به عنوان رئیس شورای صلح رژیم تعیین شده است. وی نیز همانند بقیه رهبران جهادی در خان یغمای امپریالیستی شریک گردید و در رکاب اشغالگران امپریالیست حرکت نمود و بعنوان خاین ملی نزد تاریخ و توده ها تثبیت شده است.

5. مولوی محمد نبی محمدی (رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان) پس از مدتی کار در رژیم دست

گلبدین حکمتیار، آخرین مهره نیروهای احزاب هفت گانه "جهادی" در کشور است که در صورت تسلیمی به نیروهای امریکائی و ادغام وی در پروسه صلح جاری در کشور، دوسیه کامل احزاب هفت گانه و هشت گانه جهادی نزد امپریالیستهای اشغالگر تکمیل میشود.

در جریان جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیستهای شوروی و ادامه این جنگ تا سال ۱۳۷۱ که منجر به فروپاشی دولت نجیب گردید، احزاب هفت گانه جهادی در پیشاور پاکستان و احزاب هشت گانه جهادی در تهران شکل گرفت. که احزاب هفت گانه جهادی را "جهادی های سنی مذهب" و احزاب هشت گانه جهادی را "جهادی های شیعه مذهب" به ترتیب ذیل تشکیل میدادند:

احزاب هفت گانه جهادی عبارت بودند از:

1. جبهه نجات ملی افغانستان به رهبری صبغت الله مجددی - عمدتا پشتون
2. جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری برهان الدین ربانی - عمدتا تاجیک
3. اتحاد اسلامی افغانستان به رهبری عبدالرب رسول سیاف - عمدتا پشتون
4. محاذ ملی اسلامی افغانستان به رهبری پیر سیداحمد گیلانی - عمدتا پشتون
5. حزب اسلامی افغانستان شاخه خالص به رهبری مولوی یونس خالص - عمدتا پشتون
6. حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمد نبی محمدی - عمدتا پشتون
7. حزب اسلامی افغانستان شاخه حکمتیار به رهبری گلبدین حکمتیار - عمدتا پشتون

احزاب هشت گانه جهادی عبارت بودند از:

- 1- سازمان نصر به رهبری محمد حسین صدیقی و عبدالعلی مزاری
- 2- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افغانستان به رهبری شیخ اکبری
- 3- شورای انقلابی اتفاق اسلامی به رهبری سید علی بهشتی
- 4- جنبش انقلاب اسلامی به رهبری نصرالله منصور
- 5- حرکت اسلامی افغانستان به رهبری شیخ آصف محسنی و شیخ صادق هاشمی
- 6- اتحاد مبارزان اسلامی به رهبری مصباح ساده
- 7- حزب رعد افغانستان به رهبری عبدالجعفر نادری و اسماعیل بلخی
- 8- حزب الله افغان [سه شاخه بود] به رهبری قاری یکدست در هرات - آیت الله وثوق در غزنی و محمد محقق در مزار

از جمله هشت حزب جهادی فوق به غیر از حزب حرکت اسلامی به رهبری شیخ آصف محسنی بقیه آنها بر محور حزب وحدت اسلامی به

نشانه فوت نمود، او نیز از جمله رهبرانی است که در خان یغمای امپریالیستی شریک گردید و در جهت رژیم دست نشانده قرار گرفت و بعنوان خاین ملی ثبت تاریخ و کشور گردید.

6. مولوی یونس خالص (رهبر حزب اسلامی افغانستان - شاخه خالص) از جمله رهبرانی است که از پیوستن به جناح رژیم سرباز زد و در خان یغمای امپریالیست‌های اشغالگر اشتراک نکرد و تا پایان عمر از پیوستن در جناح آنها ابا ورزید. وی پس از یک مریضی طولی مدت در پاکستان درگذشت.

7. گلبدین حکمتیار (رهبر حزب اسلامی افغانستان - شاخه حکمتیار) از جمله رهبران جهادی است که در طول مدت پانزده سال گذشته در جنگ علیه اشغالگران امپریالیستی سهیم گشت و شعار جهاد علیه اشغال را سر داد اما در جریان نبردهای او، صفوف این حزب به دو بخش تقسیم گردید. شاخه ارغندیوال و شاخه حکمتیار. ارغندیوال به رژیم پوشالی تسلیم گردید و حزب اسلامی تحت رهبری اش را در درون رژیم راجستر نمود، اما گلبدین حکمتیار کسی بود که این وظیفه را نپذیرفت و جنگ را ارجحیت داد. این دقیقاً سیاستی است که از ابتدای تشکیل حزب اسلامی و جنگ با اشغالگران سوسیال امپریالیست پیشه کرده بود. ولی اکنون به خوبی دیده میشود که پروسه صلح با طالبان جهت خود را به طرف گلبدین حکمتیار دور داده است و شورای عالی صلح روی مذاکرات صلح با گلبدین حکمتیار کار میکند. آنچه مبرهن است مسئله تسلیمی گلبدین حکمتیار به امپریالیست‌های اشغالگر است که میخواهد در آخر عمر خود جانی در سیاست پوشالی رژیم دست نشانده اشغالگران در افغانستان بیابد. گلبدین حکمتیار شخصی است که جنایاتش تا سالهای ۱۹۶۵ میلادی به عقب برمیگردد. طوری که معلوم است این شخص از موضع قبلی خود در خصوص خارج شدن نیروهای اشغالگر از کشور منصرف گردیده و صرف میخواهد که در رژیم پوشالی جای پا باز نماید.

یکی از شروط گلبدین حکمتیار برای پایان دادن جنگ در افغانستان خروج تمامی عساکر خارجی از کشور بوده است، اما بعد از سالها انزوا، فکر میشود که امپریالیست‌های اشغالگر حاضر شده اند او را در آغوش خود بپذیرند. این شخص سالیان سال در پاکستان بوده است و کمتر جرات داشته روی صحنه بیاید. سر و صدای پروسه و مذاکرات صلح چهارجانبه با طالبان، که در نهایت امر طالبان حتی قبل از کشته شدن رهبرشان (ملاختر محمد منصور) ازین پروسه به شکلی از اشکال طفره رفتند، باعث گردید که اشغالگران امپریالیستی توجه خود را به گلبدین حکمتیار معطوف بدارند. این کار باعث گردید تا گلبدین حکمتیار از ادعای قبلی خود مبنی بر خروج نیروهای اشغالگر منصرف گردد.

گلبدین اخیراً اظهار نموده است که خروج عساکر امریکائی از کشور یک هدف بوده نه شرط اولی! این تغییر مواضع سیاسی گلبدین نشانه ای از وعده هائی است که از طرف اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده برایش داده شده است.

طوریکه در بالا هم یادآوری گردید، از احزاب هشت گانه شیعه مذهب به استثنای حزب حرکت اسلامی تحت رهبری شیخ آصف محسنی، هفت حزب دیگر بر محور حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری جمع گردیدند. در زمان جنگ های خانمانسوز داخلی جهادی‌های حزب وحدت به دو شاخه مزاری و اکبری تقسیم گردید. شاخه اکبری و شیخ آصف محسنی با سیاف و جمعیت اسلامی یکجا گردید و از جمله قاتلین مردم افغانستان محسوب می گردند.

زمانیکه طالبان به کابل رسیدند، مزاری طالبان را نسبت به مسعود و جمعیت اسلامی ترجیح داد و به طالبان تسلیم گردید. طالبان بی درنگ او را به سزای اعمالش رساندند.

بعد از کشته شدن عبدالعلی مزاری، حزب وحدت تحت رهبری اش، نیز به دو شاخه حزب وحدت اسلامی تحت رهبری خلیلی و حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان تحت رهبری محقق تقسیم گردید. زمانیکه اشغالگران امپریالیست افغانستان را اشغال نمودند، میتوان بطور خلاصه از رهبران جهادی این احزاب چنین یادآوری نمود:

۱) عبدالکریم خلیلی بعنوان رهبر حزب وحدت اسلامی به صفت معاون دوم رژیم دست نشانده حامد کرزی در خان یغمای اشغالگران شریک گردید و از جمله خاینین ملی محسوب میگردد.

۲) محمد محقق بعنوان رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان از جمله تسلیم شدگان به اشغالگران امپریالیست می باشد و مهر خاین ملی را در پیشانی خود حک نموده است.

۳) شیخ آصف محسنی بعنوان رهبر حزب حرکت اسلامی در رکاب اشغالگران همراه شد و در خان یغمای امپریالیست ها شریک گردید و از جمله خاینین ملی کشور محسوب میشود.

۴) حزب وحدت اسلامی شاخه اکبری نیز در خان یغمای اشغالگران شریک گردید و نامش بعنوان خاین ملی ثبت تاریخ گردیده است.

بناء به طور بسیار خلاصه میتوان گفت که با آمدن گلبدین حکمتیار، تمامی احزاب جهادی شیعه مذهب و سنی مذهب به استثنای حزب اسلامی شاخه مولوی یونس خالص در خان یغمای اشغالگران شریک شده و از جمله خاینین ملی محسوب میگرددند.

به هر حال، پروسه جاری صلح که از طرف رژیم دست نشانده به راه افتاده است، در نهایت امر نشان خواهد داد که آیا با آمدن گلبدین به میز مذاکرات و ادغام وی در رژیم پوشالی، میتوانند دوسیه احزاب هفت گانه و هشت گانه را ببندند یا خیر؟

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" از آوان حملات مرگبار نیروهای اشغالگر در کشور اعلام نمود که کشور مورد تجاوز نظامی نیروهای اشغالگر امپریالیستی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا در آمده و رژیمی که بر اریکه قدرت تکیه میزند، رژیم مزدور است که مستی از خاینین ملی دور این خان یغمای امپریالیستی گرد آمده اند.

آنچه را که راه حل این معضل میتوان برشمرد انهدام رژیم پوشالی است نه پروسه صلح و مذاکراتی که نیروهای اشغالگر امپریالیستی و رژیم دست نشانده شان به راه انداخته اند.

پس با قدرت و توان برای انهدام رژیم پوشالی به پیش!

مرگ بر اشغالگران امپریالیستی و خاینین ملی دست نشانده شان

مرگ بر تمامی وطن فروشان

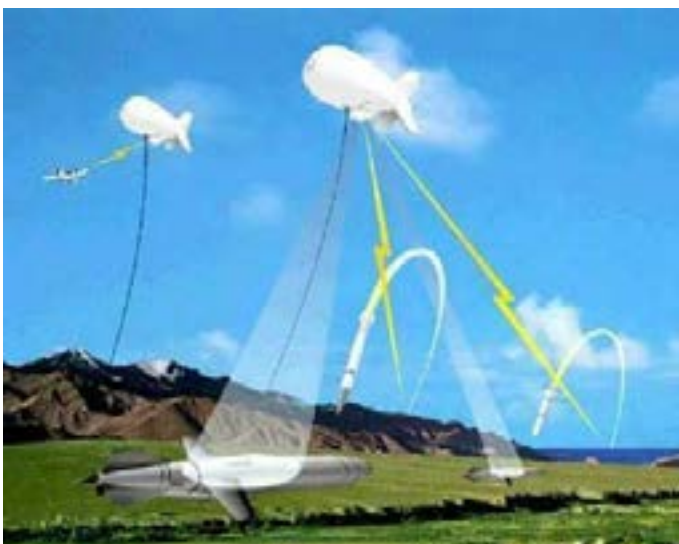
زنده باد استقلال - زنده باد آزادی

اطلاعاتی در مورد بالن های ردیاب موشک های کروز، با سیستم حسگر مشبک!

"Joint Land attack cruise missile defense Elevated Netted Sensor"(JLENS)



این بالن ها را اشغالگران امپریالیستی، اکثرا در ارتفاع ۱۰ هزار فوت معادل ۳۰۴۸ متری از سطح بحر مستقر میکنند که میتواند ۲۴ ساعت شبانه روز به مدت یک ماه (این اطلاعات به صورت ماهوار بایگانی میشود) موشک ها، تانک ها، هواپیماها و هلیکوپترهای دشمن را در فاصله ۳۴۰ مایل معادل ۵۴۷۱۷۸ متر (پنجصد و چهل و هفت کیلومتر) شناسائی و ردیابی کند و اطلاعات آنرا همزمان به سیستم مرکز نظامی اپراسیون آنها انتقال دهد، تا ازین طریق متخصصین امریکائی توسط سیستم های ضد موشکی شان (Anti-Missile System) که مدل پیشرفته امریکائی آن پیتریت (Patriot) نام دارد، بتوانند موشک های دشمن را قبل از رسیدن به هدف منهدم سازند.



از لحاظ اقتصادی هزینه ساخت یک عدد دستگاه "جی لینس" سه میلیون دالر امریکائی میباشد. شاید بعضی ها به این فکر باشند که نصب چنین دستگاه ها باعث امنیت کشور خواهد شد، اما باید گفت که برعکس، نه تنها باعث امنیت کشور نمیشود بلکه میتواند امنیت کشور و منطقه را بیش از پیش مختل نماید.

امپریالیزم امریکا دو رقیب بین المللی دارد که یکی روسیه و دیگری چین محسوب میشود. حسب منافع آزمندانه

پانزده سال از اشغال افغانستان توسط امپریالیستهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا میگذرد، در طول این مدت، بر علاوه کشتار وحشیانه، آوارگی هزاران هموطن، خانه خرابی دهقانان و کارگران، ویرانی هزاران روستا، سپس روی کار آوردن رژیم دست نشانده و مزدور، انتخابات مضحکه نمایشی متعدد، عقد پیمان های متعدد نظامی - سیاسی - اقتصادی، تنبیت پایگاه های نظامی در داخل کشور و هزاران هزار جنایت هولناک دیگر، کار دیگری که ارتش تجاوزکار امپریالیستی در داخل خاک افغانستان انجام داده است، نصب بالن های فضائی است که بطور نمونه میتوان در سطح فضای شهر کابل و بعضی از شهرهای دیگر افغانستان دید. این بالن های فضائی به ارتفاع ۱۰ هزار فوت بالاتر از سطح بحر، مستقر شده اند. آیا به راستی این بالن ها چه کار کردی دارد؟ چرا اشغالگران با صرف میلیون ها دالر این بالون ها را بر فضای کابل و سایر شهرهای افغانستان مستقر کرده اند؟ شاید کمتر کسی از راز چنین بالن ها باخبر باشد و شاید هم تعدادی از هموطنان ما به جریان این موضوع تا حدودی قرار گرفته باشند، با آنهم درین چند سطر به بیان این مطلب می پردازیم تا نشان دهیم که این بالن ها به نفع مردم و یا به ضرر مردم است؟ تا جائیکه معلومات نشان میدهد، این بالن ها نه بخاطر امنیت مردم کشور بلکه بخاطر اهداف غارتگرانه، تجاوزگرانه و اشغالگرانه امپریالیستهای اشغالگر در کشور مستقر شده است. بعضی از مردم به این فکر هستند که این بالن ها بخاطر میدان های هوایی کشور و یا کمره های قوی جاسوسی بخاطر کنترل و نظارت محیط و منطقه باشد؛ اما برخلاف تصورشان باید یادآوری کنیم که این بالن ها، سیستم ردیاب موشک های کروز است!

درحقیقت نام نظامی اینها جی لینس (JLENS) است که مخفف

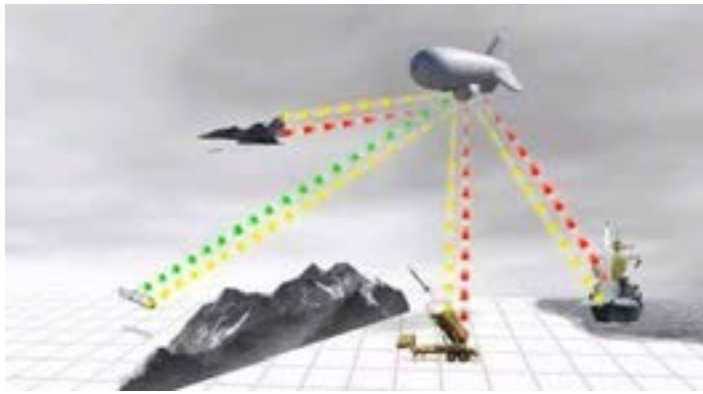
" بالن های ردیاب موشک های کروز، با سیستم حسگر مشبک "

میباشد و به انگلیسی:

" Joint Land attack cruise missile defense Elevated Netted Sensor"(JLENS)

گفته میشود.





امپریالیستی امریکا، این سیستم ها طوری طراحی شده اند که قدرت شناسائی موشک های دوربرد کروز در سطح منطقه را دارا میباشند.

از آنجائیکه روابط روسیه و امریکا بسیار تنشزا گردیده و این تیرگی روابطشان از جزیره کریمیه شروع تا مرزها سوریه که با حملات هوائی و نظامی روسیه در برابر امریکا تشدید گردیده، همه و همه نشان دهنده عواقب وخیمی است که میتواند منجر به نابسامانی منطقه توسط این دو ابرقدرت برتر جهان گردد. تا جائیکه امپریالیزم روسیه به امپریالیزم امریکا اخطار داد که صف کشیدن در برابر روسیه بی جواب نمی ماند، این بدین مفهوم نیست که این جواب را حتما یا در مرز کریمیه یا در مرز سوریه بدهد، میتواند این جواب را در داخل خاک افغانستان و پایگاه های نظامی ارتش متجاوز امپریالیستهای امریکائی بدهد. به این خاطر اگر در یک محاسبه عادی نیز در نظر گرفته شود که امپریالیستهای امریکائی توسط "جی لینس" بتوانند تمام موشک های روسیه را در هوا نابود کنند، باز هم نیمی از مردم افغانستان در اثر تشعشعات یورانیوم جان خود را از دست خواهند داد، در حالیکه نه اتحادیه اروپا و نه هم خود دولت امپریالیستی امریکا حاضرند چنین قربانی ها بدهند.

آنها نیامده اند که به این سادگی از افغانستان خارج شوند. آنها ششصد میلیارد دالر مصارف جنگ تجاوزکارانه را نه بخاطر منافع مردم افغانستان بلکه بخاطر منافع آزمندانه و غارتگرانه شان، بخاطر تسلط بر منطقه هزیننه کرده اند تا بعنوان نیروی برتر و قدرت اتمی برتر جهان بمانند، تا بتوانند هژمونی و اقتدارطلبی شانرا کماکان بر جهانیان ثابت نگه دارند.

اما آماج این جنگ تجاوزگرانه، غارتگرانه و ددمنشانه آنها همانا توده های مظلوم و بی دفاع افغانستان خواهند بود و بس!

هیچ راه دیگری به جزء برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی به شکل قهری، وجود نخواهد داشت تا بتوان از آن طریق بر نیروی های اشغالگر امپریالیستی هجوم برد، آنها را از کشور بیرون کرد و رژیم دست نشانده شان را به زیر کشید!

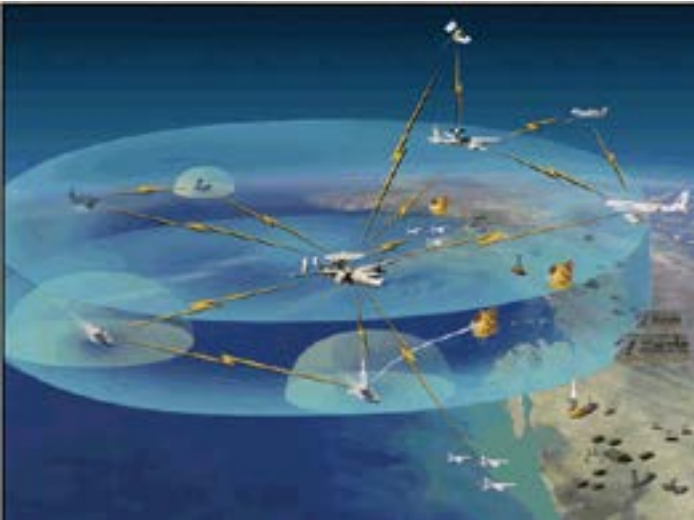
پس با آگاهی تمام، انسجام بیشتر، بسیج فشرده تر

پیش به سوی برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

تا جائیکه معلوم شده است، موشک های پیتریوت (Patriot) امریکا که یکی از پیشرفته ترین مدل سیستم های ضد موشکی شان به شمار میرود، اکثرا در کوه های مرتفع افغانستان نصب و پنهان میباشند تا در هنگام وقوع هرگونه جنگ احتمالی علیه روسیه یا چین بتوانند مورد استفاده قرار گیرند.

فروپاشی امارت اسلامی طالبان که منجر به روی کار آمدن حاکمیتی دست نشانده و مزدور گردید، نمیتوانست ارمغان بهتری ازین برای مردمان آزادیخواه افغانستان به همراه داشته باشد. آنچه را که میتوانیم از استقرار "جی لینس" های امریکائی در افغانستان نتیجه بگیریم این است که افغانستان بعنوان سپر دفاعی برای ارتش اشغالگر امپریالیستی در آمده است و اشغالگران متجاوز امپریالیستی به این خاطر هر روز نغمه و ترانه جدیدی را برای توجیه حضور دوام مدت شان در افغانستان روی دست میگیرند.

در زیر تصاویری از دستگاه "جی لینس" مخوف ترین شبکه سیستم حسگر مشبک ارتش اشغالگر امپریالیستی در خاک افغانستان را به تصویر میکشیم تا ازین طریق بتوانیم منظور بهتری از متن فوق را برای خوانندگان عزیز ارائه دهیم.



دستگاه "جی لینس" جهت کشف موشک های بالستیک، بالن های هوایی، طیارات بدون سرنشین، قطر راکت های بزرگ، اجسام در حال حرکت در روی زمین (تانکها، وسایط نظامی...) و ناوگان های بحری (کشتی های جنگی بحری) و ... مورد استفاده قرار میگیرد. (به تصویر ذیل جزئیات ذکر گردیده است)

JLENS – Joint Land Attack Cruise Missile Defense Elevated Netted Sensor System

Capabilities

Primary Mission: Cruise Missile Defense – detects, tracks & provides targeting data. Also, detects ballistic missiles, aircraft, unmanned aerial systems (UAS), large caliber rockets and moving ground targets and surface ships at sea.

Provides warfighter with:

- Joint interoperability via Link 16, CEC and other C2 links
- Persistent surveillance
- Early warning

Lower Cost

to operate compared to surveillance aircraft

FCR (74 m) Elevates to 10,000 ft. SuR

MONTH Persistent wide area surveillance **24/7** 30 days at a time

Fire Control Radar (FCR) Surveillance Radar (SuR) (360°)

FCR provides targeting data to interceptors

SuR detects and identifies threat

Copyright & Approval for Public Release by AFSSAA-PB, AFACOM Public Release case # 246, 2013



AFFORDABLY SAFEGUARDING VITAL INTERESTS WITH JLENS

WHAT is JLENS? A JLENS system, referred to as an orbit, consists of two tethered, 74-meter helium-filled aerostats connected to mobile mooring stations and communications and processing groups.

360°
24/7 SURVEILLANCE
30 days at-a-time
Surveillance Radar

500-700% LESS TO OPERATE

It takes 4-5 hour long surveillance & reconnaissance aircraft to get the same coverage.

JLENS Fire Control Radar ENABLES JOINT ENGAGEMENT

Earlier and further interoperability with

Patriot
SM-6
AMRAAM

Target Threats

SIMULTANEOUSLY
Detect Threats in ALL Directions

RANGE
Up to 340 MILES

CAPABILITIES

JLENS Primary Mission: Cruise Missile Defense – detects, tracks & provides targeting data

Detects ballistic missiles, aircraft, unmanned aerial systems (UAS), large caliber rockets and moving ground targets and surface ships at sea.

x2 **WHAT is in an Orbit?**

One aerostat carries a surveillance radar with 360-degree surveillance capability, the other aerostat carries a fire control radar

JLENS PROVIDES MORE TIME
DETECT, DECIDE & ENGAGE against real threats

VS.

Seconds **VS.** Minutes

علیه بیکاری، فقر، چپاول حقوق ها و سرکوب و غارت به پا خیزید!

روز جهانی کارگر را گرامی داریم!

هموطنان گرامی!

کارگران و زحمتکشان!

یعنی وزارت معارف، ۱۳۰۰۰ بست خالی موجود است و تمام ۱۹ وزارت خانه رژیم، به همین ترتیب نیاز به مامورین دارد ولی در اثر فساد مستولی بر رژیم دست نشانده، اکثریت فارغ التحصیلان پس از پایان دوره تحصیلی شان بیکار و بی اشتغال اند و جبراً راهی کشورهای دیگر شده اند، و آنده از جوانانی که به سوی کشورهای منطقه و سایر کشورها سرازیر گشته اند یا توسط مرزبانان آن کشورها دستگیر و به زندان ها و کمپ های مهاجرین سپرده شده اند و یا اینکه در دریاها غرق گردیده و صید نهنگ ها گشته اند.

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که سطح تورم اقتصادی در کشور فوران کرده است و قیمت ها، قوس صعودی خود را پیموده و فشار اقتصادی ناشی از نظام اقتصادی - سیاسی رژیم دست نشانده دمار از روزگار مردم ستمدیده کشورمان در آورده است.

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که هزاران خانواده از نبود کار و امکانات زندگی بی بهره مانده اند و آن عده از نیروی کار جامعه که جذب میگردد باز هم از امنیت کاری، امنیت شغلی و بیمه اجتماعی به کلی محروم اند. قراردادهایی که میان آنده از کارگران و کارفرمایان و یا کارگران و ارگان های رژیم عقد میگردد به هیچوجه تضمین شده نیست و هر لحظه امکان اخراج آنان وجود دارد.

روز جهانی کارگر در حالی فرامیرسد که بار سنگین بحرانهها و رکود بی علاج اقتصادی را رژیم دست نشانده کنونی به همکاری امپریالیستهای اشغالگر و با توسل به ارباب و خفقان، وحشت و دهشت، بیش از پیش، بر زندگی و معیشت زحمتکشان و محرومان جامعه تحمیل میکند.

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که اقشار وسیع خرده بورژوازی هر روز بیشتر از قبل به فقر و فلاکت می افتند. پیشه وران تقریباً در تقابل با کالای وارداتی

روز جهانی کارگر در شرایطی فرا میرسد که توده های ستمدیده افغانستان، شاهد افزایش رکود اقتصادی، دسیسه های امپریالیستی در سطح منطقه، و تحمل رژیمی دست نشانده بر مردمان کشور هستند. رژیمی که جز خیانت و میهن فروشی چیز دیگری در ذات و سرشت آن دیده نمیشود. رژیمی که جز بی عدالتی، فساد و ایجاد مشقت زندگی بر مردمان این سرزمین کار دیگری از پیش نمیبرد. رژیمی که در مرداب متعفن امپریالیستها غرق و سرگردان است و جزء منافع غارتگرانه اشغالگران امپریالیست در منطقه به چیز دیگر نمی اندیشد.

روز جهانی کارگر در شرایطی فرا میرسد که صدها هزار کارگر افغانستانی آواره در ایران و جهان به فروش نیروی کارشان مشغول اند، و تعداد زیادی ازین کارگران مهاجر معتاد گشته اند.

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که در شهر کابل و سایر شهرهای افغانستان هزاران کودک به تکدی گری مشغول اند تا نان آور خانواده هایشان باشند، ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر در افغانستان میرویم که هزاران نیروی زحمتکش سرزمین مان بی اشتغال و آواره اند.

روز جهانی کارگر در حالی فرا میرسد که وضعیت دهقانان افغانستان فوق العاده تاسف بار و غم انگیز است و کشت و کار دهقانی در یک قسمت از ولایات کشور به تولید و قاچاق مواد مخدر معطوف گشته است، در حالیکه مافیای مواد مخدر بیشترین سود تولیدات این نیروی اجتماعی را به دست می آورند.

روز جهانی کارگر را در حالی برگزار می کنیم که هزاران تن از محصلین کشور، پس از پایان دوره تحصیلی شان بیکار و بی اشتغال اند در حالیکه فقط در یک وزارت خانه رژیم

تضادهای در جامعه، فرصت‌های عظیم و چالش‌های بزرگ بر سر راه مبارزه برای برپائی و پیشبرد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی به مثابه شکل مشخص کنونی مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در افغانستان را به عنوان دشمن عمده کشور و مردمان کشور به وجود آورده است. اگر ازین فرصت‌ها استفاده اعظمی به عمل نیاید، طبیعی است که چالش‌ها به خطرات بالفعل تبدیل خواهند شد.

وظیفه همه کارگران، دهقانان، محصلین، جوانان، هنرمندان، نویسندگان، دانشمندان، معلمان، نیروهای ملی - دموکراتیک و اقشار وسیع اجتماعی است که با توجه به رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه و با توجه به تعهد خرائین به منافع علیای توده‌ها و کشور با تمام قوت و توان علیه وضعیت کنونی صدای اعتراض شان را بلند کنند و حقوق پایمال شده خود را به هر قیمت از گلوئی غارتگران و چپاول‌گران حاکم کنونی بیرون کشند.

زمان، زمان، زمان برخاستن است! به دشمن درمانده و بحران زده امان ندهید!

بزرگترین حق به تاراج رفته مردمان ستمدیده و زحمتکش افغانستان حق استقلال و آزادی و حاکمیت ملی شان است، برای احقاق این حق ملی مان باید هرچه وسیعتر به مقاومت ملی مردمی انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، روی آورد و این مقاومت را ابعاد گسترده باید بخشید!

زنده باد روز جهانی کارگر

فرخنده و استوار باد اتحاد تمام زحمتکشان (دهقانان و کارگران) به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی

« جنبش انقلابی جوانان افغانستان »

اول می ۲۰۱۶ (۱۱ ثور ۱۳۹۵)

خارجی شغل شان را از دست داده‌اند. اقشار وسیع مامورین پایین رتبه دولتی، معلمین مکاتب، ارگان‌های عدلی و قضائی، نویسندگان، هنرمندان و اکثریت ادارات رژیم فشار بد اقتصادی را متحمل شده‌اند و سایر اقشار خرده بورژوازی هر روز بدتر از روزهای قبل به اعماق جامعه رانده میشوند. تجارت کوچک در مسیر قهقرائی سوق یافته و اکثریت تجار ملی مملکت به رکود اقتصادی شدید مواجه گردیده‌اند و ظرفیت اشتغال در کشور روز به روز کمتر میشود.

در یک کلام میتوان گفت که این سقوط به پایین، نه به گسترش صفوف طبقه کارگر بلکه به گسترش روز افزون صفوف بیکاران منتهی میگردد. همین قشر رو به افزایش بیکاران است که نیروی مهم شورشگر علیه اشغالگران و رژیم دست‌نشانده را تشکیل میدهند و آنچنان وضعیتی را به خود اختیار کرده که در صورت نبود نیروی ملی مردمی و انقلابی در صحنه نبرد، به سوی نیروهای ارتجاعی کشانده خواهند شد.

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر می‌نشینیم که زنان ستمدیده کشورمان با انواع ستم و مظلومیت اجتماعی دست به گریبان می‌باشند، آنها از یک طرف با ستم شوونیستی مردسالار سنتی دیرپا و از جانب دیگر با حیل‌گری‌های اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست‌نشانده به شمول بخش زنان این رژیم مواجه‌اند. زنان کشورمان در چنین وضعیتی است که وسیعاً تحت ستم قرار میگیرند. بی حقوقی وسیعی بر آنها اعمال میگردد و بطور وسیعی قربانی خشونت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی میگردند. اما سوگمندان توام با این اشکال گوناگون ستم، مشت کوچکی از زنان وابسته به رژیم دست‌نشانده، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را آرایش می‌دهند و سر و صورتش را می‌آرایند تا زشتی‌ها و بدنمندی‌های درونی و ظاهری اش از انظار پوشیده بماند.

روز جهانی کارگر در حالی فرامیرسد که زندانیان خصوصاً زنان در زندان‌های رژیم دست‌نشانده با انواع آزار و شکنجه و حتی تجاوزات جنسی دست به گریبان‌اند.

کارگران و زحمتکشان!

جوانان آزادیخواه و رنجبران!

دقیقاً میتوان گفت که شرایط عینی و ذهنی ناشی از تشدید

سیاست‌های جهانی

مجید: ۲۰ جوزای ۱۳۹۵

می‌باشد، تفاوت‌های اجتماعی در جریان زندگی بردگان به حدت و شدت خود روز به روز در مناسبات بردگی تغییرات اجتماعی رونما می‌ساخت و انسان وابسته به زمین می‌گشت و ابزار تولید انسان و حیوان و ادوات ابزاری ساخته و پرداخته انسان زمینه جامعه فیودالی را ممکن می‌گردانید. در هر سه دوره تاریخی در پروسه زندگی مردم تاثیرات فرهنگی و برتری قدرت ابزار جنگی و مالی در تغییر مناسبات اجتماعی نقش کلیدی و اساسی را معین می‌کرد، در جامعه فیودالی رشد فعالیت بازار که همانا بنام تجارت مسمی می‌باشد شرایط را برای یک تحول توسعه اقتصادی تدارک در مناسبات رشد کالا تهیه می‌کرد، یعنی افزایش تولید برای کسب منافع بیشتر با اسلوب استفاده اعظم نیروی کار دیگران و نقش فرهنگ و نظام در هریک از ادوار تاریخ حمایت از نیروی قدرت برتر جامعه را رد کرده است.

در زمان گذشته تغییر یک مناسبات و جایگزینی مناسبات دیگر با تناقضات اجتماعی صورت می‌گرفت، مانند انقلاب صنعتی در اروپا و انقلاب سرمایه داری در فرانسه؛ در دوره کاپیتالیستی، کارگران و دهقانان در زیر اسارت و استثمار سرمایه داران قرار داشتند و در ممالک مستعمره و نیمه مستعمره زیر چتر امپریالیزم انگلستان به سر می‌بردند مانند: مصر، یونان، هند، اندونزی، و قتل عام و حتی به مسلسل بستن و بمباران آزادی خواهان همین کشورها در قاموس امپریالیزم انگلستان یک حرکت عادلانه به حساب می‌آمد و سیاست‌های استعماری رونق و تجلی خاص عصر و زمان برای کشورهای مقتدر چون آلمان، فرانسه، انگلستان، جاپان، ایتالیا و روسیه، با سیاست‌های نوین در حوزه‌های مستعمراتی خویش که دارای منابع نفتی و مارکیت‌های خوبی بابت فروش کالاهای تجارتي آن کشورها و همچنین استفاده اعظمی از مواد خام در به کارگیری و راه انداختن کارخانجات‌شان فرصت مساعدی در رشد صنعت و اقتصاد سرمایه داری کارساز بعمل می‌آمد.

هر چیز در بطن خویش ضد خود را می‌پروراند:

از سرف قرون وسطی نخستین شهرها پدید آمدند، از شهرنشینان آزاد نخستین عناصر بورژوازی نشو و

از آنجاییکه سیاست را بر همه امور مقدم بدارید نقل قولی است معروف و در گذشته هم رهبران به امور سیاست جهت کشورگشایی به مناطق مختلف جهان بها می‌دادند در اینجا می‌توان به درک اهمیت سیاست و دیدگاه‌های متناقض رهبران دنیا در شرایط گوناگون اجتماعی، فرهنگی جوامع بشری و به تحقق رسیدن آرمانهای شان از به کارگیری اسلوب‌های مختلفی که مساعی بخرچ داده‌اند پی برد و به این نتیجه رسید که سیاست‌های اصلی بر سه محور می‌چرخند:

(۱) سیاست‌های اقتصادی

(۲) سیاست‌های فرهنگی

(۳) سیاست‌های نظامی

برای روشن شدن سیاست‌های جهانی در دنیا چه در قرون گذشته و چه در عصر حاضر استراتژی اصلی رهبران بر کسب منابع مالی و روی در آمدها و عواید گوناگون اقتصادی بوده و می‌باشد به این خاطر است که عمده‌ترین سیاستی که در جهان حرف اول را می‌زند قدرت اقتصادی می‌باشد.

قدرت‌های اقتصادی در ادوار تاریخی از لحاظ سیستم اجتماعی گوناگون می‌باشد؛ دوره کمون - دوره برده گی - دوره فیودالی - دوره سرمایه داری و عصر جنبش‌های دموکراسی نوین.

در دوره کمون، مبارزه انسان با طبیعت بود. جهت رفع مشکلات زندگی و گروهی در تولید بیشتر برای رفع نیازهای خودی و همین سبب شد که شرایط مناسبات کمون به دوره بردگی مبدل شود و حس قدرت طلبی و تملک در دوره بردگی زمینه تحرک فعالیت در تولید، مسبب لشکر کشی و اخذ امتیازگیری اقتصادی، تفاوت‌های خوبی در زندگی انسان‌ها بوجود آورد و همین تفاوت بعنوان تحول شرایط بردگی نسبت به شرایط کمون محسوب می‌گردید.

مبارزات و قیام‌های بردگان در برابر ستمگران برای رهایی از اسارت در پروسه دوره بردگی صورت می‌گرفت و بزرگترین قیام بردگان به قیام اسپارتاکوس مشهور

مترقی و آسیب پذیر میتواند باشد با تاثیر گذاری خوب استفاده کرد. تمام جنبش های مترقی را از بین برد و عوامل نفوذی ضربات سختی بر جنبش ها وارد ساختند.

استعمار با سیاست ریفورمیستی عوامل نفوذی و سیاست های پارلمانتاریستی و راه رشد غیرسرمایه داری را از طریق مبلغین خویش ضربات سهمگین بر بدنه جنبش پیکار مبارزه طبقاتی وارد کرد.

در شرایط کنونی، احزاب راجستر شده داخل کشور ما افغانستان، به اصلاحات اقتصادی و رفتن به پای صندوق ها دل خوش کرده اند، عوامل استعمار بنام داعش، القاعده و بخشی از طالبان و سایر بنیادگرایان به شمول راستی و چپی های درون رژیم ماسک به رخ می کشند، بر ملیت های تحت ستم و طبقات محروم جامعه ستم روا میدارند و برای نابودی شان کمر همت بسته اند تا پیکار و جنبش مبارزاتی شانرا منحرف و نابود کنند.

سیاست استعماری از بدو پیدایش به اشکال گوناگون تا به امروز بزرگترین سلاح کاربردی را در جهان داشته و ازین سیاست بر ملت ها ضربات سختی در جهان وارد گشته است. چنانچه در جنگ دوم جهانی استفاده مواد اتمی در جاپان و در شرایط حاضر جنگ های افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، فلسطین، مصر، سودان و غیره نقاط دنیا، به همین منوال بوده است. ملت ها باید به آگاهی سیاسی خویش بیافزایند. ماسک های رنگارنگ را از چهره استعمار کنار کشند.

اتحاد ملی و دموکراتیک را از طریق وحدت کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه در سازمان های هسته یی شان که اصول مبارزه طبقاتی را معتقد می باشند پیگیری نمایند. فریب عوامل دشمنان مردم را نخورند، انقلاب دموکراتیک نوین در جوامع نیمه مستعمره و مستعمره - فیودالی کلید حل معما می باشد.

به عمر استعمار و استثمار باید پایان بخشید و آن هم فقط و فقط میتوان توسط انقلاب قهری پیروز شد.

خطرناکترین سیاست، سیاست استعماری است که به موقع چون گرگ با لباس میش وارد کارزار میگردد.

دیو سیاه استعمار دشمن خلق ها و جنبش های نوین جهان بوده، نابودی آن توسط نیروهای انقلابی حتمی می باشد.

نما یافتند، کشف امریکا و راه دریایی در آفریقا برای بورژوازی که در حال ارتقا بود زمینه تازه ای به وجود آورد، بازار هند شرقی و چین و استعمار امریکا، مبادله با مستعمرات، افزایش وسایل مبادله و کالاها بطور عموم به بازرگانی و دریانوردی و صنایع چنان تکانی داد که تا آن زمان بی سابقه بود، تکامل سریع عناصر انقلابی جامعه فیودالی که در حال سقوط بود موجب گردید، شیوه قبلی فیودالی اکنون به موازات بازارهای جدید تقاضاهایی که در کار افزایش بود نمیتوانست تکافو کند، جای آنرا صنایع یدی گرفت. کارگاه ها بوسیله صنف متوسط صنعتی رانده شدند، تقسیم کار بین سازمان های حرفه ای گوناگون از میان رفت، جای خود را به تقسیم کار در هریک از کارگاه های جداگانه داد. بورژوازی از طریق تکمیل سریع کلیه ابزارهای تولید و از طریق تسهیل بی حد و اندازه وسایل ارتباط، همه ملل را بسوی تمدن کشاند و بنام تمدن و حقوق بشر و آزادی زنان، کشورهای امپریالیستی برای بدست آوردن مستعمرات ذینفع که دارای منابع سرشار نفتی بودند وارد عرصه سیاست های بازار آزاد و ترویج فرهنگ غربی تجارت سکس و سینما و موسیقی، دست به معاهدات و پیمان های سیاسی و توافقنامه های امنیتی و نظامی زدند و قبضه کردن سرمایه های نفتی در بانک های کشورهای امپریالیستی ذخیره و فروش سلاح های کشورهای بزرگ به مستعمرات منبع کسب درآمد، سرآمد خوبی بود و این سیاست یک سیاست از نوع استعمار نوین محسوب می گردید.

سیاست استعماری از زمان گذشته در ماندگاه های (قرارگاه، منطقه) مدیترانه و بعدا در ماندگاه های اقیانوس توسط کشورهای اروپایی چون هلند، اسپانیا، اتریش، ایتالیا، فرانسه و انگلستان که دو کشور اخیر دارای توانایی اقتصادی و صنعتی بودند سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن ماندگاه ها در مناطق خشک به تصرف خویش در آوردند. در جنگ دوم جهانی که امریکا سود کلانی از فروش سلاح و فروش مواد نفتی و طلا و انحصار سرمایه و منابع مالی و عدم متضرر شدن در جنگ بعنوان کشور قدرتمند در برابر جهان، کشورهای تازه استقلال یافته و سوسیالیستی به رقابت پرداخت.

استعمار در قرن ۲۰-۲۱ از اسلوب سیاست نئو امپریالیستی جنگ سرد را که خطرناکترین قدرت در جنبش های

از تفرقه های ملیتی شدیداً اجتناب کنیم!



نظر به راپور احصائیه رژیم، در شهر غزنی ۱۶۷,۰۰۰ نفر زندگی می کند و تمامی امکانات شهر، بر اساس همین تعداد نفوس تخصیص داده می شود. در حالیکه باشندگان شهر چیزی در حدود نیم میلیون نفر گفته میشوند. چون در سالهای اخیر، ولسوالی های هزاره نشین این ولایت تقریباً خالی شده و بیشتر از ۳۰ فیصد نفوس ولسوالی های ناهور، جغتو، بخش هزاره نشین قره باغ و ولسوالی مالستان، مناطق شانرا ترک نموده و به شهر و حومه های شهر مستقر شده اند.

اکثریت مناطقی که این مردم در آن سکونت دارند شامل ناحیه های شهری نیست و خانه های شان خارج از نقشه و پلان ریاست شهرسازی رژیم، آباد شده است. به این ترتیب، ترکیب ملیتی شهر غزنی از سه ملیت هزاره، پشتون و تاجیک تشکیل میگردد که به ترتیب تاجیک ها اقلیت این نفوس شهری را در بر میگیرند. گرچه آنها باشندگان بومی غزنی قلمداد میگردند، زیرا تا سالهای ۱۳۷۱ خورشیدی، که هنوز بقیه مردم از ولسوالی ها و حومه های اطراف به داخل شهر نیامده بودند، اکثریت نفوس شهر را ملیت تاجیک تشکیل میداد، ولی پس از سقوط رژیم نجیب و به قدرت رسیدن جهادی ها، مردم از ولسوالی های این ولایت به شهر رجوع نمودند و عملاً مردم بومی شهر غزنی (تاجیک ها) در اقلیت قرار گرفتند.

از آن به بعد، اطراف شهر غزنی به محلات پرنفوس و عمدتاً مردمان ملیت هزاره مبدل گردید. بعد از سقوط طالبان و اشغال کشور توسط امپریالیست ها، رجوع دوباره مردم به شهر بیشتر شد و در حومه شهر غزنی چندین شهرک و محلات تحت آبادی و ساخت و ساز تعمیرات رهاپشی قرار گرفت که باشندگان آنرا بیشتر، مردمان ملیت هزاره تشکیل میدهد.

به همین ترتیب، ریاست های دولتی نیز از لحاظ تقسیم بندی عملاً شکل ملیتی به خود گرفت. در زمان حاکمیت کرزئی (شاه شجاع سوم)، اکثر ریاست ها و همچنان دفتر ولایت غزنی به پشتون ها اختصاص یافت، اما با روی کار آمدن رژیم اشرف غنی، تقسیمات اراضی افغانستان میان هر دو میهن فروش (اشرف غنی و عبدالله)، صورت گرفت و ولایت غزنی به اختیار داکتر عبدالله در آمد. وی در اولین اقدام خود، "امان الله حمیم" که خود را تاجیک میخواند، والی ولایت غزنی انتخاب نمود.

در پی برکناری والی اسبق که پشتون بود، پشتون های این شهر اعتراضاتی را مبنی بر اینکه والی ولایت غزنی باید پشتون باشد، در حلقه های معین دولتی دهان به دهان نموده و همین قضیه جنجال هائی را در پی داشته است. به همین خاطر، حدود یک هفته قبل، شاروال این شهر تبدیل گردید و به عوض آن یک پشتون از ولسوالی "گیرو" ولایت غزنی به حیث شاروال جدید معرفی شد. اما یک تعداد از مردمان ملیت تاجیک از آمدن شاروال تازه، ممانعت نمودند و خیمه اعتراضی را در ساختمان شاروالی این شهر به پا کردند و در قطعنامه ای که به نشر رساندند، خاطر نشان ساختند که: "شاروالی حق تاجیک هاست و به کسان دیگری از سایر ملیت ها اجازه نمیدهند که کرسی شاروالی را اشغال نماید."

به تعقیب انتشار این قطعنامه، آنعه از دکان های شهر، که مربوط به ملیت تاجیک بود، به مدت دو روز مسدود گردید. در پی اعتراضات

مردم شهر، والی غزنی از مردم معترض خواست تا برایش فرصت دهند که مشکل را با مقامات مرکزی مطرح کند و وعده سپرد که تا تاریخ سه شنبه ۹ حمل ۱۳۹۵، مشکل شان را حل خواهد کرد. اما دو روز قبل از تاریخ متذکره، شخص دیگری به حیث شاروال که از طرف مقامات مرکزی رژیم معرفی شده بود، توسط والی غزنی به ادارات دولتی معرفی گردید.

در پی معرفی شاروال جدید، یکی از مدیران شاروالی که از ملیت تاجیک است، بالای شاروال جدید حمله نموده و با مشت او را مورد لت و کوب قرار داده و اخطار داد که "تاجیک" ها هرگز کسان دیگری به غیر از خود به حیث شاروال نخواهند پذیرفت. در پی این برخورد، محافظین "وکلائی شورای ولایتی" غزنی بالای شخص مذکور حمله نموده و فرد مذکور را همراه آن عده کسانیکه در شاروالی تجمع کرده بودند را مورد لت و کوب شدید قرار دادند.

فردای همان روز مورخ ۸ حمل ۱۳۹۵، وضعیت شهر غزنی به کلی خراب شد و دکان های شهر به کلی مسدود گردید. تاریخ ۹ حمل، هیات به اصطلاح با صلاحیتی از مرکز برای رسیدگی به مشکلات مردم به غزنی رسید، و در پی دید و بازدید با مردم معترض به آنها ابلاغ نمودند که شاروال جدید به فرمان رئیس جمهوری تعیین شده و غیر قابل برگشت است. هیات به عوض اینکه قضیه را حل و فصل نمایند، مسائل ملیتی در غزنی را بیشتر از قبل دامن زد و باعث گردید که مردم معترض ملیت تاجیک به تاریخ ۱۱ حمل شاهراه کابل - قندهار را مسدود نموده و خواهان لغو فرمان رئیس جمهوری شدند. در عکس العمل به این قضیه پشتون ها نیز شاهراه کابل - قندهار را از سمت قندهار مسدود کردند و خواستار تطبیق فرمان رئیس جمهوری شدند. شاهراه کابل - قندهار تا ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز ۱۱ حمل مسدود بود و در جریان این مسدودیت برخورد هائی نیز میان معترضین تاجیک و معترضین پشتون رخ داد، که با دخالت اردوی رژیم شاهراه کابل - قندهار، دوباره به روی ترافیک باز گردید. گرچه این اعتراضات در شهر غزنی تا حدی فروکش کرده اما تا حال به قوت خود باقی است.

ریشه این اختلافات از کجا آب میخورد؟

به ظاهر کسی به نام "عبدالرحمن" که مشهور به بچه "حاجی جان دل" است از جمله تجاران مشهور شهر غزنی است، که تا حال چندصد جریب زمین (هر جریب زمین مساوی به دو هزار متر مربع میباشد) را در زد و بند با شاروال سابق، غصب کرده است، وی که

از مردمان بومی این شهر و تاجیک است همواره در زد و بندهای دولتی دست داشته است. او برای کرزی کمپاین کرد و طالبان را نیز باج می دهد.

شخص موصوف شورایی به نام "شورای باستان غزنه" تشکیل داد و چندین شخص فاسد را در این شورا گردهم آورد که در بعضی موارد، مداخلات به جا و یا بی جا در امورات دولتی می نماید. این شورا به اصطلاح یک شورای فعال است که از حق و حقوق ملیت تاجیک در شهر دفاع می کند ولی نه تنها دفاعی صورت نگرفته بلکه از زمان تشکیل این شورا، همواره تضادهای ملیتی را دامن زده و بارها مسئله "غزنی چی" و "غیر غزنی چی" را مطرح نموده است.

این شورا و عمدتاً شخص بچه "حاجی جان دل" در کشمکش های اخیر، نقش محوری را بازی کرده است. در طرف دیگر کسی بنام "عبدالجامع" وکیل شورای ولایتی، که از مردم ولسوالی "اندر" و از ملیت پشتون است، طرف شاروال جدیدالتقرر را گرفته و مردم پشتون را تحریک نموده تا از شاروال جدید حمایت کنند. دامن زدن اختلافات ملیتی از یک طرف، هم به نفع "عبدالرحمن بچه حاجی جان دل" و هم به نفع "عبدالجامع" می باشد و از طرف دیگر منفعت اصلی این اختلافات را اشغالگران امپریالیست و خابنین ملی دست نشانده شان میبرند.

ظاهراً شخص عبدالرحمن و "شورای باستان غزنه" که خود را مدافع مردمان بومی غزنی قلمداد میکنند، پشت قضیه قرار دارند اما در پهلوی آن کسی بنام "خلیل هوتک" که اصلاً باشنده ولسوالی "رشیدان" ولایت غزنی است و یکی از غاصبین بزرگ زمین و از ملیت پشتون در منطقه میباشد در زد و بندهای اخیر با عبدالرحمن و شاروال دست دارد و در صف بندی اخیر با مردمان بومی غزنی قرار گرفته و خود را نماینده پشتون ها قلمداد میکند.

کشمکش های اخیر در ظاهر گرچه بین تاجیک ها و پشتون ها رقم خورده، اما محرکین اصلی پشت پرده این قضیه اشرف غنی و عبدالله هستند. والی غزنی گرچه از هواداران عبدالله است و به هدایت او عمل میکند؛ اما در ظاهر خواهان تطبیق فرمان رئیس جمهوری شده است و در تحریکات تفرقه افگانه ملیتی اخیر در غزنی دست دارد. اختلافات میان غنی و عبدالله باعث پشت گرمی برای کسانی مانند "عبدالرحمن" و "عبدالجامع" شده و هر دو طرف به هدایات آنها عمل میکنند. اختلافات ملیتی که اخیراً در کشور دامن زده میشود، دقیقاً بیان مسئله را میرساند که ارگ نشینان (غنی و عبدالله) هر یک به نوبه خود در تلاش اند که اختلافات ذات البینینی خود را در قالب اختلافات ملیتی رقم زده و برین اساس یکی بر دیگری در حکومت دست برتر بیابد.

حدوداً یک هفته است که کار و بار در شهر کاملاً خوابیده و دکانداران از لحاظ مالی متضرر شده اند. دکانداران شهر، با ترس از اینکه اغتشاش در شهر اضافه خواهد شد و دکان هایشان مورد چور و چپاول قرار گیرد، تا امروز مورخ ۱۲ حمل ۱۳۹۵ دکان هایشان را باز نکرده و کاملاً مسدود میباشد.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" به مردم زحمتکش و ستمدیده شهر غزنی، خاطر نشان میسازد که در برابر توطئه های دشمنان رنگارنگ، هوشیار و بیدار باشند. دامن زدن اختلافات ملیتی نه به سود کشور و نه به سود مردمان کشور است، بلکه از دامن زدن چنین

اختلافات فقط مقامات عالی رتبه رژیم مزدور که به جزء خیانت و میهن فروشی چیز دیگری در ذات و سرشت شان نمیباشد، سود میبرند و منفعت آنها چند کلاه گزار مرتجع به دست می آورند. برای آنها چه شورا تشکیل داده باشند و چه انفرادی حرکت کنند، مسئله تاجیک و پشتون مطرح نیست، بلکه منافع شخصی شان اولویت دارد. همچنان اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدورصفت شان به خوبی آگاهند که دامن خوردن اختلافات ملیتی، عطف توجه مردم، علیه اشغالگران را کاهش می دهد و مردم را مصروف درگیری های ذات البینینی اقوام و ملیت هایشان میسازد، این حالت صرفاً دوام و بقاء رژیم دست نشانده را تضمین میکند.

مقامات رژیم مزدور، درین میان مهر سکوت بر لب زده و بیشتر به تماشاچیان شباهت دارد و ما نباید از چنین رژیم مزدورصفتی توقع همکاری با مردم زجر کشیده و ستمدیده کشورمان داشته باشیم. زیرا بی کفایتی رژیم مزدور دیگر مثل روز بر همه گان روشن است و قدر مسلم است که رژیم مزدور صفتی که به اشاره بادار خارجی اش عمل کند از خود اراده و توانی ندارد که بتواند مشکل مردم را حل و فصل نماید. بلکه هرچه این اختلافات دامن بخورد، سود آنها اشغالگران و رژیم مزدور به جیب میزنند، چیزی که از قدیم به عنوان ضرب المثل مورد استفاده قرار گرفته جمله معروف "تفرقه انداز و حکومت کن!" است. این حاکمیت دست نشانده و مزدور برای ادامه بقاء حیات ننگین اش نیاز مبرم به دامن زدن چنین اختلافات دارد.

آنچه را که چند روز قبل در شمال کشور میان ملیت های تاجیک و ازبک شاهد بودیم، امروز با دامن زدن اختلافات میان ملیت های تاجیک و پشتون در شهر غزنی بدان مواجه هستیم، که همه و همه بیانگر برنامه شوم رژیم مزدور و خود فروخته است.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" به صراحت تمام، از مردم رنج کشیده کشور و ستمدیدگان جامعه میطلبد که پامال هوای نفس مرتجعین و مقامات رژیم پوشالی نگردند و در دام اختلافات ملیتی نیافتند. آنچه را که امروز مردم ستمدیده کشورمان نیاز دارند، وحدت و اتفاق عمل همگانی برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خابنین ملی دست نشانده شان است. باید با اتحاد و وحدت همگانی بر برج و باروی اشغالگران سفاک و خون آشام و رژیم مزدورصفت شان که به غیر از دامن زدن اختلافات ملیتی کار دیگری در دست ندارند، حمله ور شد و به جای کینه و تفرقه میان ملیت ها، باید اراده و عزم آهنین خود را برای مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و خابنین ملی دست نشانده شان سمت و سو داد.

به پیش در راه تامین وحدت میان تمامی ملیت های کشور!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خابنین ملی دست نشانده شان!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

۱۲ حمل ۱۳۹۵ (۳۱ مارچ ۲۰۱۶)

وضعیت زندانیان در زندان های کشور چگونه است؟

" آزاد " - ۱۳۹۵/۱/۸

همینکه زنان و دختران جوان در این خانه ها جا به جا گردیده سر و کله جنایتکاران رژیم پوشالی پیدا می گردد و زنان و دختران معصوم را مورد تجاوز قرار می دهند. امروز در کشور خانه های " امن " به فاحشه خانه های برای جنایتکاران رژیم دست نشانده تبدیل گردیده است.

جنایتکاران زندان ها و خانه های به اصطلاح امن کشور را به فاحشه خانه، قمارخانه و به اصطلاح (دیسکوتیک) برای خود تبدیل نموده اند. هر ساعتی که دل شان بخواهد برای عیش و نوش به آنجا میروند و همراه زندانیان بی کس و بی سر پناه از طریق زور و با آوردن بوتل های مشروب ساعت ها به عیش و نوش می پردازند.

همانطوریکه رژیم دست نشانده حامد کرزی در مدت سیزده سالی که به چوکی دست نشانده تکیه زده بود به جز از درد و رنج، فقر و بیکاری، قتل و قتال، اختطاف و تجاوزات جنسی کاری انجام نداده به همان قسم رژیم پوشالی به اصطلاح وحدت ملی که توسط جان کری به کرسی دست نشانده تکیه زده جز فحاشی و بی بند و باری، فساد و جنایت، کاری انجام نداده و کشور را به جهنم سوزان برای مردمان و بخصوص زنان ستم دیده کشور تبدیل نموده است.

قرار است که امسال انتخابات مضحکه و نمایشی شوراهای ولایتی توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده راه اندازی شود، بناء از تمامی هموطنان ستم دیده کشور می خواهیم که فریب میهن فروشان را نخورده و به پای صندوق های رای نروند و انتخابات را بطور وسیع تحریم نمایند.

هموطنان ستم دیده!

وقت آن است دست به دست هم داده و دیگر فریب این جنایتکاران و خائنین ملی و میهن فروش را نخورده و به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان به پردازیم. زیرا یگانه راه نجات از این همه مصیبت و بدبختی اتحاد و همبستگی تمامی اقشار زحمتکش برای مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده می باشد. باید این مبارزه تحت رهبری و پیشآهنگی طبقه کارگر تا بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده ادامه پیدا کند و بعدا این مبارزه تا آنجا پیش رود که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

به امید چنین روزی به مبارزه بر خیزید و به پیش حرکت نمایید، زیرا از طریق مبارزه جدی و پیگیر تمام اقشار زحمتکش و بخصوص زنان ستم دیده است که زنجیرهای ستم پاره می شود. پس باید برای پاره نمودن زنجیرهای ستم متحد گردید و تمام نیرنگ های اشغالگران و میهن فروشان را خنثی نمود.

بعد از اشغال افغانستان توسط اشغالگران امریکایی و متحدین شان نه تنها وضعیت توده های ستم دیده افغانستان بدتر گردیده، بلکه وضعیت زندانیان و بخصوص زندانیان زن و پسران نوجوان به حالت اسفناکی رسیده است.

اگر بخواهیم از وضعیت زندانیان در زندان های کشور در مدت ۱۵ سال گذشته صحبت کنیم شاید ده ها کیلو کاغذ را در برگیرد. اکثریت زندانیان تحت فشار های بیش از حد روحی و جسمی قرار دارند، اما شبکه های به اصطلاح آزاد که ساخته و پرداخته اشغالگران و مزدوران شان می باشند این وضعیت اسفناک درون محابس را وارونه جلوه میدهند سعی می ورزند تا جنایاتی که در حق محبوسین و بخصوص محبوسین زن و پسران نو جوان انجام می شود از مردم پنهان نگهدارند.

به گفته تعدادی از محبوسین هرات، آنها آنقدر تحت فشار مزدوران رژیم قرار دارند که به مرگ شان راضی اند. بقول بعضی شان، رئیس زندان و تعدادی از افسران زندان به جای دفاع از آبرو و حیثیت زندانیان، زندان را به فاحشه خانه ای برای عیش و نوش خود تبدیل نموده اند. این وضعیت اسفناک از همه بیشتر روح و جسم بسیاری از محبوسین را می آزارد.

مسئولین محبس، زندانیان زن و پسر بچه های نوجوان را بیش از حد زیر فشار قرار می دهند و از این طریق بسیاری شان را وادار می کنند تا به خواست پلید شان تن دهند. آن عده از زنان و پسران جوانیکه از این طریق حاضر نمی شوند تا امیال شوم شان را بر آورده نمایند، شب ها به بهانه تحقیقات به دفتر کاری شان برده می شوند و به زور به آنها تجاوز می نمایند.

بدتر از همه که تعدادی از زندانیان زن به اثر فشاریکه روی شان وارد شده با جنایتکاران زندان همدست شده اند، آنها دیگر زندانیان را تحت فشار قرار می دهند و وادار به عمل ناشایست نموده تا برای عیش و نوش جنایتکاران زندان آماده شوند.

رژیم دست نشانده از ابتدای دست نشانده گی خانه های به اصطلاح امن را برای زنان و دخترانیکه جا و مکانی ندارند ایجاد نمود. رسانه های وابسته به اشغالگران و میهن فروشان سر و صدا راه انداختند که رژیم پوشالی از منافع زنان دفاع می نماید.

زنانیکه با شوهران شان مشکلی پیدا نمودند وقتی به ریاست های امور زنان در ولایات مراجعه نمودند، این ریاست ها ایشان را به خانه های " امن " جا به جا نموده و به ایشان اطمینان داده که از حقوق و حیثیت ایشان دفاع می نمایند و به همین طریق دخترانیکه از ازدواج های اجباری فرار نمودند برایشان همین قول داده شده و به خانه های " امن " برده می شوند.

زنده باد هشتم مارچ روز جهانی زن!



بار دیگر هشتم مارچ، فرا رسید. هشتم مارچ روزی است که میلیون ها زن مبارز و آزادیخواه به جاده ها می ریزند و صدای برحق زنان ستمدیده سراسر جهان را طنین انداز میکنند. هشتم مارچ، خاطره سرخ زنان زحمتکشی است که علیه بیدادگری های سرمایه داران ایالت نیویورک امریکا ایستادگی نمودند و جان های شیرین شان را فدا ساختند و از این طریق اثبات نمودند که نظام سرمایه داری امپریالیستی یک نظام غارتگر و ستمگری است که به هیچ چیز جز منافع غارتگرانه خود نمی اندیشد.

این روز، روز جهانی زن است!

روزی است که میلیون ها زن ستمدیده و مبارز و آزادیخواه در سراسر کشورهای دنیا همگام و همصدا به جاده ها میریزند تا صدای فریاد میلیاردها زن ستمدیده دیگر باشند. صدای حق طلبانه ای میلیون ها زن ستمدیده ای که می خواهند از چنگال خونین توحش و بربریت انحصارگرایانه نظام امپریالیستی و نظام ستمگرانه و استثمارگرانه کاپیتالیستی رهائی یابند.

امروز در سراسر جهان، زنان مبارز و انقلابی گرد هم جمع میشوند. ازین روز تجلیل به عمل می آورند. درین روز تجدید پیمان میکنند، تعهد می بندند تا سرنگونی کامل امپریالیزم و ارتجاع از پای نخواهند نشست. تجلیل از این روز، تجلیل از مبارزات قهرمانانه زنان به مثابه کتله عظیم اجتماع است. این روز، تاریخ مبارزات برحق زنان ستمدیده را رقم می زند که از دهشت روزگار به ستوه آمده بودند و به زنان مبارز و انقلابی آموزش داده و می دهد که متحدانه علیه نظام های غارتگر و چپاولگری که حقوق برحق زنان را لگدمال میکنند به پا خیزند.

جنبش مبارزاتی زنان در سراسر جهان طنین انداز قهرمانی ها، رشادت ها، فداکاری ها و مبارزات برحق زنان است و زنان ستمدیده، مبارز و آزادیخواه افغانستان جز لایتجزای این جنبش وسیع جهانی هستند. این روز گرچه به صورت ها و صورهای متعدد در افغانستان کنونی که یک کشور مستعمره - نیمه فئودال است، از طرف رژیم پوشالی و تعدادی از انجوها و احزاب و سازمان های تسلیم طلب تجلیل میگردد، اما نمیتواند به صورت واقعی انعکاس دهنده واقعیت های اجتماعی کشور و مردمان کشور و بخصوص زنان ستمدیده کشور به شمار آید، زیرا تقلیل مبارزات برحق زنان در افغانستان تا سطح نمایش کاذب تجلیل هشتم مارچ نه تنها رهائی زنان را به دنبال ندارد بلکه میتواند به عنوان پرده فریبی برای اذهان عموم و روکشی برای توجیه چپاولگری ها و غارتگری ها و تجاوز عریان امپریالیزم امریکا و شرکای بین المللی اش با شعار فریبنده "آزادی زنان از قید اسارت طالبانی" به شمار رود. اگر زنان ستمدیده، مبارز و آزادیخواه سرزمین مان متوجه این امر نگردند، هرگز نمیتوانند مبارزات برحق خویش را سمت و سوی ملی، مردمی و انقلابی بدهند. زنان باید متوجه این امر باشند که در شرایط کنونی کشور بدون مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی نمی توان زنجیرهای اسارت را پاره نمود. زیرا مبارزه علیه سیستم مردسالاری تابع مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی است و باید این مبارزه در پیوند تضاد عمده پیش برده شود. زنان مبارز و آزادیخواه باید دوشادوش مردان مبارز و آزادیخواه این سرزمین گام بردارند و تا سرحد بیرون رفتن کامل قوای اشغالگر از کشور و فروپاشی رژیم

دست نشانده شان همگام و همصدا حرکت کنند. بدون چنین مبارزه ای و بدون سرنگونی چنین رژیم هرگز نخواهیم توانست به آزادی و برابری زن و مرد در جامعه دست یابیم.

تا زمانی که اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده شان با اشغالگران مرتجع داعشی در کشور حضور بالقوه و بالفعل داشته باشند، زنان از حیثیت و اتوریته اجتماعی برخوردار نخواهند بود، چه رسد به آزادی های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و برابری با مردان. آنچه را که امپریالیستهای اشغالگر به ارمغان آورده اند، اسارت روز افزون توده میلیونی زنان در افغانستان است و آنگاه این اسارت رفع میگردد که افغانستان به استقلال سیاسی و آزادی های ملی حقیقی خود دست یابد و این امر ممکن و میسر نخواهد بود مگر با تلاش مساعی و مشترک میان زنان و مردان آزادیخواه این سرزمین!

بله هموطن!

روز جهانی زن، روز فریاد هزاران زن ستمدیده ای است که از فرط ناهنجاری های اجتماعی به ستوه آمده اند. روز فریاد هزاران زن ستمدیده ای است که از قوانین حاکم اجتماعی و نظام مردسالار حاکم بر جامعه در رنج و عذاب هستند. این روز، روز همبستگی، روز عصیان، روز مبارزه برای برابری و روز مقاومت زنان است.

موفقیت و پیروزی نهائی مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، مشروط به شرکت وسیع و فعال توده های زنان ستمدیده درین مقاومت است. بدون مشارکت فعال زنان نمیتوان اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی را از کشور بیرون راند و رژیم پوشالی را از قدرت به زیر کشید و انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان را به پیروزی رساند، و به سمت جهانی بدون ستم به پیش حرکت نمود.

زنجیرها را بگسلیم و خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها سازیم!

پیش به سوی برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی دست نشانده شان و اشغالگران مرتجع داعشی!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

هشتم مارچ ۲۰۱۶ (۱۸ حوت ۱۳۹۴)

جنايات هولناک امپرياليسټ های اشغالگر امريکايی افشاء می شود

سيروس ۶ حوت ۱۳۹۴



زمانیکه امپرياليسټهای اشغالگر به رهبری امپرياليزم امريکا حمله وحشیانه شانرا به افغانستان آغاز نمودند، مورد استقبال گرم احزاب ارتجاعی میهن فروش جهادی، ملیشه های بدنام و جنایتکاران خلقی، پرچمی قرار گرفتند. این نیروهای ارتجاعی و میهن فروش بمنزله ارتش پیاده نظام اشغالگران در افغانستان زیر پوشش قوای هوایی اشغالگران به جولان درآمدند. بعد از اینکه اشغالگران، طالبان را از قدرت به زیر کشیدند مورد استقبال گرم نیروهای تسلیم طلب به اصطلاح شعله یی ها نیز قرار گرفتند، تسلیم طلبان تا آنجایی پیش رفتند که این تجاوز را « بارقه امید در چشمان اشکبار ملت افغانستان خواندند» و بدتر از همه آنها اساسنامه یی ساختند. تعداد دیگری به رقص و پایکوبی پرداخته و بنام بد و بدتر، شاه شجاع سوم (کرزی) را نسبت به بنیادگرایان درون رژیم ترجیح دادند و در صف کرزی ایستادند و به مبلغ و مروج اشغالگران درآمدند. در لوی جرگه خابنین ملی شرکت نمودند، به ولسی جرگه، مشرانو جرگه و شورای ولایتی راه یافتند و بسیاری از چوکی های وزارتخانه ها و ریاست ها را از آن خود ساختند. برای کرزی و اشرف غنی و ... کمپاین های انتخاباتی راه انداختند. خلاصه کاملاً حاضر و آماده خدمت به اشغالگران گردیدند.

اشغالگران با شکلدهی رژیم دست نشانده جنگ ارتجاعی را بر مردم ستم دیده این دیار تحمیل نمودند. در ظرف یک و نیم دهه اشغال افغانستان، ده ها هزار نفر کشته، زخمی و معلول و ده ها هزار نفر آواره و بی خانمان گردیدند و هزاران نفر در زندان ها و شکنجه گاه های اشغالگران امپرياليسټ زجر کشیده و یا هم کشته شدند. اشغالگران با این اعمال وحشیانه بسنده نکردند، زندانیان سیاسی را به بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین شکلش زیر شکنجه قرار داده اند و اینگونه شکنجه ها تا هنوز ادامه دارد، که در ذیل به توضیح آن خواهیم پرداخت. این شکنجه ها آنقدر وحشیانه و تحمل ناپذیر است که نمی توان آنها را با شکنجه در اردوگاه کار اجباری نازی ها مقایسه نمود.

اینکه چنین شکنجه های وحشیانه چطور صورت گرفته و چطور افشاء شده، را میتوان به شرح ذیل مورد موشکافی قرار داد:

به تاریخ جمعه ۱۶ دلو ۱۳۹۴ خورشیدی ۱۹۸ تصویر از مجموع ۲۱۰۰ تصاویر هولناک شکنجه نظامیان امپرياليسټ امريکايی با زندانیان افغانستانی و عراقی در زندانهای گوانتانامو، بگرام و ابوغریب توسط وزارت دفاع امريکا و همچنان در وبسایت "اتحادیه آزادی های مدنی امريکا" (ACLU) به نشر رسید. بسیاری از این تصاویر شکنجه ها آنقدر وحشتناک و ترسناک است که باعث تهوع میگردد. زندان گوانتانامو مخوف ترین زندان و شکنجه گاه نظامیان اشغالگر امپرياليسټی محسوب میشود. این زندان بعنوان پایگاه خلیج گوانتانامو از سال ۱۹۷۰ به بعد، برای اسکان پناهندگان هائیتی و کوبائی مورد استفاده قرار میگرفت. این مسئله تا سالهای ۱۹۹۰ میلادی ادامه یافت اما در آن زمان حکم یک قاضی امريکائی در مورد غیرقانونی بودن این فعالیت به مدت یک دهه این پایگاه را به تعطیلی کشاند.



اما پس از سال ۲۰۰۲ به دستور جورج دبلیو بوش، این پایگاه دوباره به کار آغاز کرد و برای نگهداری اسیرانی که از جنگ تجاوزکارانه شان در افغانستان و عراق می‌گرفتند مورد استفاده قرار گرفت. زندانیانی که به این پایگاه انتقال داده شده‌اند همانند زندانیان ابوغریب و بگرام، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و به شکل فجیع مورد شکنجه و سپس مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. (نمایش بدن‌های برهنه زندانیان، کشاندن زندانیان با افسار و لجام، تجاوز جنسی با سگ، ترس و رعب زندانیان با صندلی الکترونیکی، غرق مصنوعی و غیره، که در اثناء چنین شکنجه‌ها، سربازان امریکایی رو به دوربین با انگشتان خود علامت پیروزی و موفقیت را نشان می‌دهند)



"اتحادیه آزادی‌های مدنی امریکا" با برنده شدن در یک دعوی حقوقی، پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) را مجبور به انتشار تصاویر شکنجه زندانیان کرد. گرچه دعوی حقوقی سال ۲۰۰۴ این اتحادیه در دادگاه پیروز برنده بود، اما پنتاگون از انتشار تصاویر به دلیل اینکه امنیت نیروهای مسلح شان را در معرض خطر قرار می‌دهد از انتشار تصاویر سر باز زد و در نتیجه دولت امریکا، جلوی انتشار عکس‌ها را گرفت.



اما هنگامیکه بارک اوباما در وعده‌های انتخاباتی اش موضوع بسته شدن گوانتانامو را مطرح کرد با استقبال گسترده‌ای روبرو گردید ولی به تاریخ ۷ جنوری ۲۰۱۱ میلادی، اوباما لایحه دفاعی خود را ارائه داد که در آن پیش‌بینی شده بود تحویل زندانیان محبوس گوانتانامو به هر کشوری با محدودیت جدی روبرو می‌باشد و این خود عملاً به معنی عدم اجراء وعده‌هایش است.

کنگره امریکا در نهایت، قانونی را تصویب نمود که به وزارت دفاع اجازه می‌داد در صورت انتشار هر گونه عکسی که تهدیدی علیه امنیت ملی بحساب رود، آن را برای ۳ سال مخفی نگه دارد. آن سال، رابرت گیتس وزیر دفاع وقت، تصمیم گرفت تمام عکس‌ها را محرمانه نگه دارد و جانشین او، لئون پانتا نیز در سال ۲۰۱۲ با این استدلال که انتشار عکس‌ها برای نیروهای مسلح خطر ایجاد می‌کند، تصمیم مشابهی گرفت.



اما در ماه آگوست ۲۰۱۵، آلون هلرستین، قاضی فدرال تشخیص داد که توجیه و استدلال‌های قبلی برای مخفی نگه داشتن عکس‌ها، کافی نبوده است. وی حکم داد اگر دولت می‌خواهد عکس‌ها را برای باقیمانده مهلت سه ساله به صورت طبقه‌بندی شده نگه دارد، باید هر یک از آنها را به طور مجزا بررسی کند و بگوید عکس‌ها چرا و چگونه علیه امنیت ملی خطر ایجاد می‌کنند.

در ادامه این درگیری حقوقی، وزارت دفاع امریکا روز جمعه ۱۶ دلو ۱۳۹۴ یک بار دیگر درخواست داد که عکس‌ها را طبقه‌بندی شده نگه دارد؛ با این استدلال که توجیهات و دلایل ذکر شده قبلی، بر اساس ارزیابی‌های مجزا و جداگانه برای هر یک از عکس‌ها، به دست آمده است. از این رو، با ملاک‌های مشخص شده از سوی دادگاه مطابقت دارد و معتبر است.

دولت امریکا در نهایت تصمیم گرفت چکیده ۵۰۰ صفحه‌ای را از گزارش ۶۴۰۰ صفحه‌ای کمیته اطلاعات سنا درباره "شکنجه و سوء رفتار مأموران سیا علیه زندانیان" منتشر کند، با این



دلیل که هیچ زمانی برای انتشار این گزارش چنین مناسب نبوده است. ولی دولت در خصوص انتشار عکس‌ها موضعی کاملا متناقض را اتخاذ کرده است. هریس می گوید: "ریسک انتشار عکس‌ها، نسبت به انتشار اسناد مکتوب بسیار بیشتر است."

اگرچه "اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا" احتمال بالقوه واکنش‌های منفی و قدرت منحصر بفرد عکس‌ها را تایید می‌کند اما آلکس عبود، از وکلای حقوقی این اتحادیه که از سال ۲۰۰۵ روی این پرونده کار می‌کند، می‌گوید عذر و بهانه دولت موجه نیست.

او می‌گوید: "حق آزادی بیان جزو حقوق اساسی و نهادینه شده ماست... ما نباید اجازه دهیم تروریست‌ها حق مسلم مردم را برای آگاهی از سوء رفتار و تخلف دولت، وتو کنند."

او می‌افزاید دولت اساسا به این خاطر خواستار مخفی ماندن عکس‌هاست، که این عکس‌ها به شکلی بسیار قدرتمند سوء رفتار و تخلف را مستندسازی کرده اند: "اگر در خصوص شکنجه نکته‌ای از قلم افتاده باشد و جای چیزی خالی باشد، آن نکته دقیقا همین نوع سندیت و اعتباری است که این عکس‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند؛ مدرکی غیرقابل خدشه و تکذیب، از سببیت و توحشی که در این رفتارها جاری بوده است."

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به صراحت بیان کرده است: "هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد."

اما پخش تصاویر هولناک شکنجه زندانیان افغانستانی و عراقی در زندان‌های گوانتانامو، ابوغریب و بگرام، این وضاحت را میدهد که اشغالگران امپریالیست از هیچ چیزی در قبال منافع اشغالگرانه شان دریغ نمیکنند."

با پخش کردن چنین تصاویری امپریالیزم جنایتکار آمریکا به جهانیان اثبات نمود که در جنایت دست کمی از مرتجعین قرون وسطی داعش که خود بوجود آورنده آن است ندارد. البته در سال ۲۰۰۳ میلادی در زمان جورج دبلیو بوش یک عده از مخالفین بوش خواهان پخش تصاویری از زندانیان عراقی از زندان ابوغریب شدند که با مخالفت بوش روبرو گردیدند. جورج بوش گفت که این کار امنیت ملی آمریکا را با تهدید مواجه خواهد ساخت.

چرا مورد مخالفت بوش قرار گرفت؟ زیرا او بخوبی می‌دانست که پخش این تصاویر، جنایات هولناک اشغالگران را بخوبی برملا می‌سازد، در چنین صورتی مورد نفرت و انزجار توده‌ها و بخصوص توده‌های کشورهای اسلامی قرار می‌گیرند و توده‌ها بیشتر از پیش به قیام مسلحانه علیه اشغالگران روی می‌آورند.

شماره‌ای از اعضای جامعه مدنی آمریکا ادعا دارند که پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) از جمله دو هزار و صد تصویری را که حکایت از برخوردهای نادرست و بی‌احترامی به کرامت بشری است مخفی نگاه داشته و فقط همین ۱۹۸ قطعه عکس را گلچین کرده و به پخش رسانده است که در سطح پایینی از ضرب و شتم و لت و کوب و بریدگی اعضای بدن و جنایت هولناک شان نشان می‌دهد. این دو هزار و صد تصویر، که بیانگر جنایات هولناک اشغالگر آمریکا می‌باشد، بین ماه‌های جنوری و سپتامبر سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۱ میلادی گرفته شده است.

این جنایات هولناک توسط ارتش لجام گسیخته امپریالیزم آمریکا



این سرباز ارتش جنایت کار اشغالگر امریکا (لیندی اینگلند) در ادامه حرف ها خود گفت: «ما می دانستیم که برای یک عرب و مسلمان، گرفتن عکس در حال برهنه بودن چقدر گران تمام می شود. این عکس ها برای ارباب و ترس در بازجویی بود.»

دقیقا که اشغالگران جنایت کار و ارتش های جنایت پیشه شان به خوبی از نکات ضعف توده های و ملل در بند آگاهند. چنین شکنجه هایی جنایتکارانه نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمامی توده های دربند ستم سنگین تمام می شود. جنایتکاران باید بدانند که با این جنایات ممکن عده ای بخاطر آبروی شان مهر سکوت بر لب زنند و هیچ چیزی بیان نکنند، اما خشم و نفرت شان با جنایتکاران صد برابر شده و تشنه انتقام گرفتن از جنایتکاران می باشند. جنایتکاران باید این موضوع را خوب درک کنند که هستند کسانی که عزت و آبروی خود را در بیان حقایق جستجو می کنند، و این جنایت را بدون هیچ ترس و واژه ای بیان میدارند، با این حالت نه تنها که خشم و نفرت خودشان علیه جنایت کاران صد برابر شده بلکه به خشم و نفرت تمامی توده های ستمدیده نیز می افزایند و با بیان حقایق توده ها را در مقابل اشغالگران جنایتکار قرار می دهند.

توده ها باید این نکته را بخوبی درک نمایند که امپریالیسم به معنی جنگ، جنایت و غارتگری است، لذا از دولت های امپریالیستی نباید توقع بیش از این را داشته باشند. تا زمانیکه اشغالگران در افغانستان حضور داشته باشند همین آش است و همین کاسه و شرایط از این هم بدتر خواهد گردید. اشغالگران نه تنها شرایط اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و امنیتی مردم زحمتکش را خراب نموده، و با حیثیت، آبرو و شرف شان بازی می کند، بلکه شرایط را طوری عیار ساخته تا تعداد زیادی از جوانان کشور را معتاد به مواد مخدر ساخته و تعدادی را به کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه آواره گردانیده است. این شرایط بسیار تاسف بار است. تا زمانیکه اشغالگران از این کشور جبرا و قهرا بیرون رانده نشوند و رژیم دست نشانده شان سرنگون نگردد، توده ها از این بدبختی نجات نخواهد یافت.

پس ای هموطن رنج دیده بیایید که دست بدست هم داده با اتحاد و همدلی علیه این مظالم اجتماعی با مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشاهنگ انقلابی، اشغالگران را از کشور بیرون رانده و رژیم مزدور شانرا از قدرت به زیر کشیم. و تا آنجا به پیش رویم که ریشه چنین دولت های پلید و فاسد از روی زمین کاملا برچیده شود و بتوانیم جامعه عاری از هر نوع ظلم، ستم و تعدی بنا کنیم.

به امید چنین روزی به پیش حرکت می کنیم.

به امید آینده بهتر از گذشته و حال مان!

مرگ بر امپریالیست های جنایتکار اشغالگر

زنده، آزاد و آباد باد افغانستان

مرده باد جنایتکاران

پیش بسوی مقاومت ملی - مردمی - انقلابی علیه امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدین شان و رژیم دست نشانده و مرتجعین اشغالگر داعشی!

بطور واضح نمایانگر سببیت و درنده خوبی شان نسبت به توده های تحت ستم می باشد. در تصاویر دیده میشود که زندانیان افغانی شدیدتر و خشن تر از زندانیان ابوغریب عراق شکنجه شده اند. طبق گفته "اتحادیه آزادی های مدنی امریکا" (ACLU) هنوز بیشتر از ۱۸۰۰ تصویر دیگر از انظار مردم مخفی نگه داشته شده است.

چرا امپریالیسم اشغالگر امریکا این تعداد تصاویر را مخفی نموده است؟ جواب آن روشن است و ضرورت به تشریح ندارد. هر فردی که دارای وجدان پاک باشد از روی عکس های پخش شده و جنایات هولناک اشغالگران در برابر زندانیان به خوبی میدانند که بقیه تصاویر به این خاطر مخفی گردیده که جنایات شان چند برابر این تصاویر می باشد. پخش چنین تصاویری به نفرت و انزجار بیش از حد توده ها میافزاید.

این بار اول نیست که این جنایات توسط اشغالگران امریکایی صورت گرفته است، در سال ۲۰۰۴ میلادی بود که اظهارات یک جنرال افغانی توسط شماری از روزنامه های امریکایی از جمله نیویورک تایمز به چاپ رسید، این جنرال افغانی که ۴۵ سال داشت بیان نمود: در طول ۴۰ روزی که در دست امریکایی ها در بازداشت قرار داشته است به فجیع ترین و شدیدترین شکلش مورد شکنجه و لت و کوب قرار گرفته است. وی اظهار داشته که درین ۴۰ روز انواع شکنجه های غیر اخلاقی را با او انجام داده اند، مانع خوابش شده بودند و دستهایش اوقات زیادی از پشت بسته بوده است، همچنان در قسمت شکنجه های غیر اخلاقی گفته که وی را برهنه کردند و از وی عکس هایی به اشکال مختلف گرفتند و حتی تا سرحد تجاوزات جنسی این حرکت را انجام دادند. وی ادعا نموده که این اعمال جنایتکارانه و وحشیانه بخاطر این بوده که از جنایات شان هیچ نگویید و مهر سکوت بر لب زنند.

اشغالگران امپریالیست به خوبی درک نموده اند که در کشورهای سنتی اسلامی تجاوز جنسیتی و برهنه نمودن افراد و عکس برداری با چنین حالتی، بدترین شکنجه محسوب می شود، و اکثریت کسانی که با این نوع شکنجه روبرو گردیده مهر سکوت بر لب زده و به هیچوجه از جنایاتی که اشغالگران به حق آنها روا داشتند چیزی نگفتند و از آنها چشم پوشی نموده اند.

سناتورهای امریکایی وقتی با خبرنگاران نظرات خود را در میان گذاشتند گفتند که دستور خشونت با زندانیان پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به بازجویان سازمان های امنیتی از جمله "سیا" داده شده ولی نه به صورتی که در عکس ها دیده میشود و به همین صورت یک بانوی ۲۱ ساله بنام لیندی اینگلند که عکس او در حال کشیدن یک زندانی عراقی با طناب روی زمین گرفته شده و در رسانه ها به چاپ رسیده است به تلویزیون "کولرادو" گفت که در ابوغریب به دستور بالا (پنتاگون) افراد را به این شکل شکنجه نموده است. او اضافه کرد که به ما دستور رسیده بود که در آستانه کار تحقیق، وضعیت را برای زندانیان به جهنم سوزان تبدیل کنید تا هنگام بازجویی اعتراف کنند.

اشغالگران به اصطلاح متمدن هیچ ارزشی به کرامت بشری و حقوق انسانی قابل نیستند، به همین ملحوظ دست به چنین جنایاتی می زنند. چنین شکنجه های واقعا جنایت و بی احترامی به کرامت بشری است! این است دست آورد پانزده ساله اشغالگران برای توده های دربند کشیده! این است نتیجه کمپاین تسلیم طلبان برای کرسی و...! و این است «بارقه امید در چشمان اشکبار ملت افغانستان»؟! ننگ و نفرین باد بر کسانی که با این حيله گری جنایات اشغالگران را می پوشانند.

نقش رژیم فعلی در فقر و خانه خرابی توده ها

سیروس ۱۲ دلو ۱۳۹۴ خورشیدی



سرزمینی که امروز بنام افغانستان مسمی است، زادگاه ما می باشد، متأسفانه که از هفت اکتبر ۲۰۰۱ به این سو توسط اشغالگران امپریالیست به سردمداری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و رژیم های دست نشانده یکی پی دیگری به کرسی دست نشانده تکیه زده اند. اشغالگران با شعار های کذایی " مبارزه علیه تروریسم"، " آزادی زنان از قید اسارت طالبان" و " دموکراسی" ارتش های تجاوزگر خود را به این سرزمین پیاده نمودند. اما این شعار های کذایی دمار از روزگار توده های زحمتکش و بخصوص زنان بر آورد. گرچه مکاتب به روی زنان باز شد و زنان توانستند که از خانه های شان بیرون آیند، اما زنان مورد معامله گری نیروهای خائن و میهن فروش قرار گرفتند. تجاوزات جنسی، اختطاف گسترده زنان، بریدن گوش و بینی، قطع انگشتان دست و پای شان و به قتل رساندن زنان قوس صعودی خود را می پیماید. نه تنها که وضعیت زنان بهبود نیافت بلکه از قبل هم بدتر گردید.

وضعیت توده های زحمتکش به آن حدی رسیده که دیگر لقمه بخور و نمیری هم گیرشان نمی آید. روز به روز صف گدایان طویل تر شده می رود. امروز توده های زحمتکش افغانستان در رنج و فقر زندگی فلاکت باری را می گذرانند. گرسنگی، مرگ و بیکاری روز به روز بیشتر و انزجار توده های زحمتکش از رژیم دست نشانده افزون تر گردیده و می گردد. در کشور اشغال شده افغانستان قتل، خون و جنایت دال بر بزرگی است و دست پروردگان اشغالگران با حمایت باداران خود همه روزه مرتکب جنایت می شوند. اینجاست، سرزمین هجاهای رنگارنگ و افراد متنوع و دو رو و ده رنگ که با ساز اشغالگران می رقصند و هر یکی از جناحان شان را با نحوی در این رقص گرفتار کرده اند.

میهن فروشان، افغانستان را در چنگال خونین شان محکم گرفته اند، و مردم زحمتکش و بخصوص جوانان را به عنوان مواد سوخت تحت نام پولیس و اردوی پوشالی دسته دسته برای سرکوب توده ها بسیج نموده اند. بانگ صدای رژیم پوشالی با ساز دروغینی که کشورهای اشغالگر به صدا در آورده اند بلند می شود، توده ها را فریب می دهند و اغوا می کنند تا عمر خود را دراز تر نموده و به اشغالگران خدمت نمایند. در طول یک و نیم دهه ای که از عمر رژیم دست نشانده گذشته است زندگی توده ها روز به روز بدتر گردیده، فقر و بیچارگی سراسر کشور را فرا گرفته است. توده ها بخوبی درک نموده اند که وعده های انتخاباتی یک عوام فریبی بیش نبوده است.

دولتی که امروز بنام "وحدت ملی" مسما گردیده است، دولتی است دست نشانده که دو خاین و میهن فروش توسط جان کری وزیر خارجه امریکا بر چوکی قدرت تکیه زده اند و با دار و دسته شان بر سرنوشت این مردمان دربند کشیده حکم می رانند.

رژیم دست نشانده در اولین روزهای تکیه زدن بر چوکی دست نشانده، افغانستان را برای مدت طولانی به بادارشان (امپریالیزم اشغالگر امریکا) فروخت. چرا رژیم پوشالی چنین پاداشی برای اشغالگران امریکایی اهدا نمود؟ بر همه واضح و آشکار است که اگر اشغالگران امریکایی پا به میدان نمی گذاشتند این رژیم موجودیت پیدا نمی کرد. بدون تعهد این پاداش برای امپریالیزم امریکا امکان به قدرت رسیدن شان نبود. همین که بقدرت رسیدند اولین اقدام شان این بود که به ارباب شان "صداقت" خود را نشان دهند و کشور را برای مدت طولانی بدون کدام امتیاز بفروشد.

از همان ابتدای بقدرت رسیدن این دو خاین مشخص بود که ایشان نه می توانند و نه می خواهند برای توده ها کاری انجام دهند. توده ها در زیر لوای چنین رژیمی باید زندگی

محصلینی که از پوهنتون فارغ گردیده اند برای دریافت کار بعنوان کارگر به کشورهای همسایه آواره گردیده اند. زیرا امروز در افغانستان بدون رشوه حتی نمی توان معلم شد چه رسد به دیگر وظیفه ها. کسانی که پول و یا وسیله ای نداشتند تا کاری برای خود دست و پا کنند و نخواستند که به کشورهای خارج هم آواره گردند عموماً شغل ترکاری فروشی و یا میوه فروشی برگزیده اند. تاریخ افغانستان چنین رژیم فاسدی را سراغ ندارد.

توده های زحمتکش به خوبی درک نموده اند که با روی کار آمدن رژیم جان کوی وضعیت مردم از حالت اسفناک ریاست جمهوری شاه شجاع سوم یعنی حامد کرزی بدتر گردیده است. در حقیقت امر رئیس جمهور افغانستان سفیر امریکا است و اشغالگران امپریالیست امریکائی نقشه هایشان را توسط دو میهن فروش (ع و غ) و دار دسته شان پیاده می کنند.

امروز رژیم دست نشانده به حمایت اشغالگران امپریالیست وطن را غرق خون نموده و مردم زحمتکش افغانستان را در سوگ عزیزان شان نشانده و در غم و ماتم فرو برده است.

کسانی که از چنین رژیمی توقع دارند که به این وضعیت اسفناک خاتمه دهند در توهم فرو رفته اند. نباید از چنین رژیمی هیچ توقعی جز خیانت و میهن فروشی داشت.

یگانه راه از بین بردن فقر و بیکاری و پایان دادن به تمام مظلوم اجتماعی، برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشآهنگ طبقه کارگر علیه اشغالگران و رژیم پوشالی است. فقط از این طریق است که می توان اشغالگران را از کشور بیرون راند و رژیم دست نشانده را از مسند قدرت به زیر کشید و جامعه دموکراتیک نوین را مستقر نمود و بطور سریع به سمت جامعه ای که در آن دیگر نشانی از ستم نباشد به پیش رفت.

به امید چنین روزی

پیش بسوی برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی



پر از درد و رنج را تجربه کنند. دولتی که توسط امپریالیزم امریکا و متحدانشان ساخته شود و با سازشان میرقصد، به درد توده ها نمی خورد.

امروز صدای ضجه و ناله های غمگین توده ها از کمترین مسافت به گوش میرسد، ضجه و ناله از رنج و درد، ضجه و ناله از فقر و بیچارگی، ضجه و ناله از دربه دری و آوارگی، ضجه و ناله از تجاوزات جنسی و قتل زنان، ضجه و ناله از بریدن گوش و بینی، ضجه و ناله از قطع انگشتان دست و پا، ضجه و ناله از اختطاف های گسترده و ضجه و ناله از قتل زنان جوان. اما دولت دست نشانده همه این ها را نادیده گرفته و از کنار همه آنها به سادگی میگذرد. زیرا تمام کسانی که مرتکب چنین جنایتی می شوند به شکلی از اشکال ناف شان با ناف رژیم دست نشانده و اشغالگران امپریالیست گره خورده است، به همین علت نه تعقیب می شوند و نه هم دستگیر و مجازات.

سرزمینی که مردم اش به علت فقر و بدبختی در دریای طوفانی دست و پا می زنند که مسیرش ناپیداست. مردمی که وضعیت شان از لحاظ اقتصادی زیر صفر قرار دارد و زندگی درهم و برهمی را سپری می کنند و از دست بیکاری، روزی هزاران نفر از کشور بطور قاچاقی خارج می شوند و روزبه روز نفوس فعال کشور در حال متواری شدن به کشورهای خارجی و بخصوص کشورهای همسایه است که در آنجا اگر بتوانند کاری برای خود دست و پا نمایند، نمی توانند از چنین رژیمی امیدی داشته باشند. باید برای رهایی خود از این وضعیت خودشان جدیت به خرج دهند.

میهن فروشانی که امروز بر اریکه قدرت تکیه زده اند جز به منافع خود و اربابان خویش به هیچ چیز دیگر نمی اندیشند و زندگی را بر مردم زحمتکش آنقدر سخت ساخته اند که حتی لقمه بخور و نمیرشان را نیز گرفته اند. جوانان کشور تمام سختی ها، مصائب و مشکلات بشمول مرگ را پذیرفتند تا برای زنده ماندن ناچاراً بعنوان کارگر به کشورهای خارجی آواره گردند. کارگران افغانستانی که به این طریق به کشورهای خارجی می روند علاوه بر تحقیر و توهین به شدیدترین وجه مورد ستم و استثمار قرار می گیرند. کارگران افغانستانی همه این مشکلات را بخاطر بدست آوردن لقمه نان پذیرفته اند.

این وضعیت اسفناک، محصلینی که از پوهنتون ها فارغ شده اند نیز در خود پیچانده است. اکثریت مطلق

علت بیکاری فعلی در افغانستان چیست؟

"آزاد" ۱۳۹۴/۱۱/۵



از زمان روی کار آمدن رژیم دست نشانده حامد کرزی در سال ۱۳۸۰ سطح زندگی مردم بیچاره و بدبخت ما روز به روز خراب شده رفت و تا الحال که دولتی بنام "وحدت ملی" (وحشت ملی) توسط جان کری وزیر خارجه امریکا به روی کار آمده است و دو مزدور معلوم الحال و میهن فروش (اشرف غنی و داکتر عبدالله) را به چوکی دست نشاندهی نشانده، ادامه دارد. جوانان کشور روز به روز دچار مشکلات بیشتر از پیش میشوند و فقر و بدبختی آنها را به سطوح آورده است و سطح بیکاری روز به روز افزایش پیدا میکند. این وضعیت غم انگیز باعث گردیده که جوانان برای دریافت کار خطرات را با جان و دل بخرند و عازم کشورهای خارجی و خصوصا کشورهای همسایه گردند. در کشوری که بیش از ۵۰ کشور خارجی حکم فرما هستند و کشور ما را اشغال نموده و تاراج کرده اند، انواع و اقسام ظلم، تجاوزات جنسی، قتل، ترور، اختطاف، بریدن گوش و بینی زنان و قطع انگشتان دست و پای شان و غیره در زیر چتر اشغالگران توسط عمال شان صورت می گیرد. این وضعیت اسفناک مردم بیچاره و زحمتکش افغانستان را در محومه ای بدی قرار داده است، انتظار بیشتری از چنین رژیمی نمی رود.

اقتصاد بازار به اصطلاح آزاد کشورهای امپریالیستی در حقیقت به سود یک طبقه آنها سرمایه داران و فئودالان میهن فروش می باشد. نه تنها وضع بد اقتصادی و فقر روز افزون، در به دری و خانه خرابی توده ها ناشی از اشغال کشور و ایجاد "بازار آزاد" بوده، بلکه نا امنی ها، دزدی، فحشا، تجاوزات جنسی، اختطاف ها و ... همه اینها مواردی هستند که از اشغال کشور و "بازار آزاد" ایجاد گردیده است.

جوانان ما همه روزه دنبال لقمه نان برای خود و فامیلهای خود هستند که متاسفانه عده کثیری نمی توانند حتی لقمه نان خشک را برای فامیل خود مهیا سازند، بیشتر جوانان ما که تحصیل کرده و فارغ التحصیل از صنف چهارده یا لیسانس میباشند بیکار هستند، دلیل بیکاری جوانان تحصیل کرده بر همگان واضح است و همه میدانند کسانی که وسیله و یا پولی برای رشوت دادن ندارند بیکار هستند اما کسانی که دارای پول و قدرت دولتی می باشند، به آسانی برای فرزندان و اقوام خویش کار را فراهم می سازند.

وقتی طفلی متولد میشود مادر و پدر با هزار امید او را بزرگ می کنند او را مکتب روان می کنند وقتی که از صنف دوازدهم فارغ گردید با هزار مشکل (از زمانیکه بازار آزاد ایجاد گردید و پوهنتون های خصوصی ایجاد شد ۸۰ درصد شامین کانکور وارد پوهنتون شده نمی توانند) به پوهنتون راه می یابند (بعضی در پوهنتون های شخصی درس می خوانند) حینکه از پوهنتون فارغ گردید نمی تواند در درون دستگاه های دولتی، موسسات خصوصی یا شخصی یا ادارات ملکی برای شان کاری پیدا نمایند، دلیلش هم واضح است.

می بینی که مدیر، معاون، رئیس و یا وزیر هستند که لیاقت چنین پستی را ندارند و بسیاری شان دارای تحصیلات ابتدایی و یا فارغ صنف دوازدهم می باشند. چون هم پول دارند و هم زور، در این کشور ملاک نه تحصیل است و نه هم دانش، بلکه زر است و زور. چنانچه اکثریت وکلای پارلمان و سنا بی سواد اند. بسیاری کسانی فارغ صنف دوازده اند اما سند تقلبی پوهنتون را به نسبت اینکه وسیله ای داشته برایش جور نموده و رئیس شده است مانند خواهر زاده آقای اسپینتا وزیر خارجه اسبق. این عالی جناب به زور آقای اسپینتا به ریاست معارف ولایت هرات رسید و سند تقلبی هم برایش مهیا شد. جنایتی که این فیودال زاده در معارف نمود در تاریخ جهان کم نظیر است. در زمان ریاست وی شعبه ریاست معارف به فاحشه خانه تبدیل گردیده بود. هم چنین منیر احمد ظاهری برادر اسپینتا در زمانیکه اسپینتا وزیر خارجه بود، عضو نظارت معارف ولسوالی کرخ گردید و با استفاده از قدرت برادرش یک معلمه جوان که بسیار زیبا و اولین بچه اش شش ماه داشت و شوهرش بی بضاعت بود، با فرزندش اختطاف نمود و مدت سه ماه در نواحی شهر هرات نگهداری و با وی بساط عیش نوش را فراهم نموده بود. زمانیکه طشت رسوائی اش به صدا در آمد و زن مظلوم را از خانه بیرون آوردند، زن با بچه اش به زندان فرستاده شد و برادر اسپینتا آزاد گردید. این است معنی حقیقی دموکراسی در زیر چتر اشغالگران.

وقتی یک جوان تحصیل کرده و با درد چنین وضعیتی را می بیند

وقتی درون دستگاه های دولتی یا ملکی میشوی افرادی را

همه جانبه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدورشان است. بناء باید برای بسیج توده های زحمتکش و در راس کارگران، دست به دست یکدیگر بدهیم و یکصدا و یکپارچه برای گرفتن حق خویش از اشغالگران و رژیم دست نشانده بپا خواسته و به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم مزدورش به پردازیم، و تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی تحت رهبری پیش آهنگ طبقه کارگر ادامه دهیم و تا آنجا پیش رویم که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

از شما جوانان می خواهیم که برای انجام این رسالت تاریخی به "جنبش انقلابی جوانان" به پیوندید تا به کمک یکدیگر بتوانیم توده های زحمتکش افغانستان را علیه اشغالگران و جنایتکاران زمان بسیج نموده و در راه سرنگونی شان به پیش رویم. "جنبش انقلابی جوانان" به کمک جوانان رنج کشیده کشور نیاز دارد. زیرا خوب میداند که جوانان زحمتکش کشور اعم از تحصیل کرده و بی سواد در بیرون راندن اشغالگران و بر اندازی مزدورانش نقش اساسی دارند.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان

صد افسوس میخورد، نه بخاطر اینکه چرا رئیس نشده است بلکه به خاطر اینکه کشور اشغال گردیده و افراد بی بند و بار بر سرنوشت مردم زحمتکش مسلط شده اند و جامعه را به سمت تباهی و فساد سوق می دهند. بی علت نیست که افغانستان در ردیف دوم فاسد ترین کشورهای جهان قرار گرفته است. این فساد تنها مربوط به فساد اداری نیست، بلکه مربوط به فساد اخلاقی نیز می شود. کسانی که خود شانزده سال زحمت کشیده و رنج های بیشماری را در طول دوران زندگی خویش برده اند و توانستند که یک سند قانونی و مدرک تحصیلی برای خود فراهم سازند به امید اینکه بتوانند از طریق تحصیلی که کرده اند یک کار مفیدی برای خود فراهم سازند و لقمه نانی برای خود و فامیل خویش جمع و جور کنند، ولی صبح تا شام پشت کار می دوند. کاری برای شان پیدا نمی شود. به خانه نمی توانند بنشینند، یا باید با به خطر انداختن جانشان کشور را ترک نمایند و یا اینکه پیاز، کچالو و ترکاری بفروشند.

جوانان!

فرار از کشور و دست روی دست گذاشتن راه علاج این مصیبت ها نیست. یگانه راه بیرون رفت از این معضل ایستادگی در مقابل تمام مظلوم اجتماعی است. یگانه راه این معضل پیشبرد مقاومت

در برابر دسیسه های ذاتی امپریالیست ها، زیرک و هوشیار باشیم!

«آنچه را که باید در مورد اعدام شیخ نمر بدانیم»



درین میان کشورهای امپریالیستی نمیتوانستند نظاره گر میدان باشند. زیرا جهانی را که امپریالیستها ترسیم میکنند جهان تجاوز و مکیدن خون میلیون ها نفر است. امپریالیستها به حقوق ملتها ارزشی قائل نیستند. برای آنها حقوق توده های میلیونی ارزشی نداشته و ندارد، و صرفا به منافع چپاولگرانه و غارتگرانه شان مینگردند. بدین سبب بود که اخوان المسلمین مصر، جنبش اسلامی تونس و اسلامیت های لیبیا و سوریه، منجمله نیروهای منسوب به القاعده، در جریان خیزش های "بهار عربی" در یک همسوئی عمومی با امپریالیستهای غربی قرار گرفتند و نوعی تباری و سازش میان دو طرف شکل گرفت و در واقع دوستی های سابقه شان تا حدی احیاء گردید؛ امپریالیستهای غربی حسب

پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱، و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، آنچه وضاحت یافت بحران اقتصادی - سیاسی - اجتماعی در سطح منطقه و جهان بود. امپریالیست های اشغالگر هر جا قدم نهادند طبق منافع و خواست های خود با توده های کشورهای تحت مستعمره شان برخورد نمودند. آنچه وضاحت دارد، دموکراسی کذائی آنهاست. دموکراسی خواهی آنها یک داستان کاذب و فریبنده است. آنها بر حسب منافع اشغالگرانه و غارتگرانه شان در سطح منطقه بحران می آفرینند و سپس برای کشورهای تحت سلطه شان، نسخه به اصطلاح دموکراسی میپيچند و هر نوع اعتراضی که علیه منافع شان قرار بگیرد از طریق رژیم های دست نشانده شان سرکوب میکنند.

آنها در برابر امواج خروشنده مبارزاتی خودجوش توده یی در سطح منطقه نیز مطابق امیال خودشان برخورد نموده اند که نمونه بارز آن را میتوان در "بهار عربی" که در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا به وقوع پیوست، به وضاحت کامل دید. اعتراضی که حاکمان در تونس، مصر، لیبیا و یمن از قدرت ساقط شدند. اعتراضی که دامن کشورهای بحرین و سوریه را گرفت و به تعقیب تظاهرات بزرگ در الجزایر، عراق، اردن، کویت، مراکش و سودان گسترش پیدا کرد و سپس لبنان، موریتانی، عمان، عربستان سعودی و صحرای غربی را در نوردید و در ماه می ۲۰۱۱ در مرزهای اسرائیل برخوردهائی اتفاق افتاد.

"بهار عربی" با شعار "الشعب یرید اسقاط النظام" یعنی «مردم خواهان برکناری رژیم هستند» در سراسر دوره اش همراه بود و

فرقه ای مذهبی را در عراق، پاکستان، سوریه، بحرین و دیگر کشورها را دنبال میکنند.

دوم) نتایج بعدی فرقه ای ناشی از اینگونه اعدام ها، در سطح منطقه ای که با بحران دست و پنجه نرم میکند و با اعلام موجودیت بالفعل و بالقوه نیروهای مرتجع «داعشی» در سطح منطقه از یک طرف و موجودیت رژیم های سرکوبگر و خودکامه از طرف دیگر و دخالت های موثر قدرت های اشغالگر امپریالیستی برای بی ثبات ساختن هرچه بیشتر منطقه در ابعاد حیرت انگیز، میتواند دو قطبی سازی و تشدید و تعمیق شکاف میان رادیکال های اهل تسنن و اهل تشییع را بیش از پیش حاد نماید. همچنان شکل گیری جبهه های سیاسی - امنیتی جدید در منطقه و تداوم بحران سوریه میان دو قطب بازیگر امپریالیستی (روس و امریکا) را نیز میتوان پیش بین بود.

بدین اساس «جنبش انقلابی جوانان افغانستان» از تمامی توده های ستمدیده کشور جدا می طلبد که در برابر دسیسه های ذاتی امپریالیست ها زیرک و هوشیار باشند، زیرا همانطوری که محرومان و توده های ستمدیده کشور پوتانسیل عظیم مبارزاتی و نیرومندی برای به حرکت در آوردن قیام مردمی اند به همان شکل میتوانند نیروی مصرفی خوبی برای بهره برداری تضادهای اجتماعی توسط امپریالیست ها و مزدوران دست نشانده شان باشند. ما وظیفه داریم به تمامی توده های تحت ستم کشورمان آگاهی و روحیه ستیزه جویانه علیه هر نوع ظلم، فساد و ستم اجتماعی بدسیم و آنها را از دسیسه های ذاتی امپریالیستهای اشغالگر و رژیم های مزدور و دست نشانده شان با خبر سازیم.

بردن آگاهی و خلق افکار عمومی برای افشاگری های سیاسی باید از ظلم و فساد و وابستگی شروع شود، ظلمی که به تجاوز عریان کشورها منجر میگردد و باعث اشغال کشورهایی همانند افغانستان و عراق و سپس باعث تشکیل رژیم های دست نشانده و میهن فروش درین کشورها میگردد و در طی دوره اشغال غیر از تباهی و درپردری برای توده های ستمدیده چیز دیگری به ارمغان نمی آورد مگر منافع اشغالگران و ستمگران امپریالیستها در آن نهفته باشد.

نیروها و شخصیت های ملی، دموکراتیک و انقلابی کشور قبل از آنکه امپریالیستها قیام های مصنوعی شان را سازمان دهند و تشدید تضاد فرقه ای مذهبی را برای بهره برداری منافع اشغالگران شان به کار بندند، باید جای پای شان را در میان توده ها محکم نموده و از تضاد های طرح شده توسط امپریالیستها بهره برداری نموده و برای تدارک برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم مزدور و دست نشانده و همچنان اشغالگران مرتجع «داعشی» آمادگی بگیرند.

همه با هم در برابر دسیسه های ذاتی امپریالیست ها زیرک و هوشیار باشیم!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع «داعشی»

” جنبش انقلابی جوانان افغانستان ”

۱۴ جدی ۱۳۹۴ (۴ جنوری ۲۰۱۶)

منافع غارتگرانه شان بود که در مواجهه با جنبش های مبارزاتی توده ای جهان عرب، سه نوع برخورد را در پیش گرفتند:

(الف) در کشورهایی مثل بحرین و عراق، به سرکوب آشکارا و علنی جنبش های مبارزاتی توده ای توسط نیروهای مسلح مزدور داخلی و حتی نیروهای مسلح مزدوران منطقه ای شان مبادرت ورزیدند و سپس در برابر این کشتار و سرکوبگری توطئه سکوت پیش گرفتند.

(ب) در کشورهایی مثل تونس و مصر، سیاست نفوذ در جنبش های مبارزاتی توده ای را از طریق شخصیت ها و نیروهای وابسته بخود و حتی مداخلات سیاسی برهنه و مستقیم، بخاطر به اصطلاح معتدل کردن جنبش ها و تقلیل هزینه آن برای خود و مزدوران شان، را در پیش گرفتند.

(ج) در کشورهایی مثل لیبیا و سوریه با توسل به مصوبات به اصطلاح سازمان ملل متحد، به مداخله و تجاوز آشکار نظامی و تحریمات اقتصادی و فشارهای سیاسی دست زدند و درین راستا از قتل و کشتار توده ها و به گرسنگی کشاندن شان ابا نوزیدند.

در طول پنج سال که از "بهار عربی" میگذرد، امپریالیستهای اشغالگر به دسیسه بازی های منطقه ای شان نه تنها پایان نداده اند بلکه آنرا شدت و حدت بیشتری نیز بخشیده اند، پرورش گروه "داعش" در خاک عراق و گسترش آن به خاک سوریه و افغانستان، نیز از طرحات اشغالگران امپریالیستها به حساب میروند. تشدید جنگ های فرقه ای مذهبی در مناطق مختلف کشورهای مسلمان نشین از خاک افغانستان گرفته تا ایران، پاکستان، سوریه، عراق ... از جمله دسیسه بازی های اشغالگران امپریالیستها محسوب میشود که هموطنان مان باید در برابر تمامی این دسیسه های اشغالگران و تجاوزکارانه اشغالگران سفاک و خون آشام هوشیار و بیدار باشند تا در دام دسیسه های شوم اشغالگران غرق نگردند.

و اکنون با آغاز سال ۲۰۱۶ میلادی، دسیسه دیگری که به عنوان مهره شطرنج توسط امپریالیستها برای تشدید جنگ های فرقه ای مذهبی در سطح منطقه طراحی شده است اعدام شیخ نمر باقر النمر (یکی از آیت الله ها و مجتهدین شیعه) همراه ۴۶ تن دیگر در عربستان سعودی میباشد. شیخ نمر چهره نخست اعتراضات عربستان سعودی در «بهار عربی» بود که در پی اعتراضات شیعیان عربستان سعودی در سال ۲۰۱۲ بازداشت گردید و در ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۴ به دلیل اقدام علیه «امنیت ملی و محاربه» از طرف دادگاه جنائی به «اعدام توسط شمشیر و به صلیب کشیده شدن او در انظار عموم» محکوم و سپس در دوم جنوری سال ۲۰۱۶ اعدام گردید که سبب واکنش گسترده منفی در منطقه شده است. اما اعدام شیخ نمر، از دو جنبه حائز اهمیت است:

اول) اینگونه اعدام ها قبل از تشدید جنگ های فرقه ای مذهبی در سطح منطقه، میتواند نشانه ترس مستولی شده بر شاه سلمان بن عبدالعزیز آل سعود و خاندان آل سعودی از خیزش ها و جنبش های براندازانه مخالفان حکومت شان تلقی گردد که شاه و خاندان آل سعودی نجات خود و حکومت شان را در اینگونه اعدام ها و نتایج بعدی فرقه ای ناشی از آن می بینند. دولت شاهی عربستان سیاست سرکوب را در مسائل داخلی کشورش اعمال میکند و سیاست حمایت از «ترور» که امپریالیستهای غربی در راس آن قرار دارند، را پیشه میگیرد. گسترش سلفی گری اساس تشکیلات شان محسوب شده و تشدید جنگ های

ششم جدی!

پندی بزرگ، از مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی

رویداد تاریخی ششم جدی ۱۳۵۸ خورشیدی، خاطرات تلخ و فراموش ناشدنی قوت های نظامی سوسیال امپریالیستی به افغانستان را - که منجر به اشغال افغانستان گردید و استقلال، آزادی ملی، منافع و حقوق توده های ستمدیده کشور را پامال کرد و کشور ما را به یک مستعمره تحت اشغال مبدل نمود - به همراه دارد، اما از طرف دیگر مقاومت حماسی و همه جانبه علیه سوسیال امپریالیستهای شوروی در کشور را در پی داشته است که میتواند به عنوان بزرگترین درس تاریخ برای ما و نسل های پس از ما به شمار رود.

مطالعات تاریخی ششم جدی برای ما و نسل های پس از ما میتواند درک کاملتری از پیشینه تاریخی کشورمان، مناسبات حاکم تولیدی این خطه و تضادهای اجتماعی جامعه افغانستان را به ما عرضه کند و پس از چنین مطالعات، اسناد و شواهدی است که تاریخ گواهی میدهد هر قدرت و نیروی مستحکمی که از حمایت مردمی برخوردار نباشد، پایه های اجتماعی آن ضعیف و بی بنیاد اساس گذاری شده باشد و در یک کلام حاکمیتی خلاف منافع ملی مردمان این خطه باشد چنانچه استقلال و آزادی شان را از آنها سلب نماید و یا زیر سوال ببرد، محکوم به زوال و نابودی است.

رویداد تاریخی ششم جدی ۱۳۵۸، بدون شک بهترین منبع برای مطالعه کشور و مردمان کشوری بنام افغانستان است، آنچه را که میتوان به عنوان درس تاریخ و پند بزرگ تاریخی از این رویداد بر زبان آورد و آنرا به کار بست، خاطرات افتخار آمیز مقاومت حماسی و جانانه در مقابل اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران شان است. آنچه را که نسل ما و نسل بعد از ما بدان نیاز دارد، حماسه آفرینی ها و تداوم خاطرات افتخار آمیز مقاومت حماسی علیه بیگانگان و متجاوزین در هر عصر و دوره ای است. دوره کنونی که کشور در چنگال خونین اشغالگران امپریالیست و شرکای بین المللی اش از یک طرف و اشغالگران مرتجع داعشی از طرف دیگر اسیر گردیده، ضرورت آن وجود دارد که خاطرات تلخ و دردناک تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان و اشغال این کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ و پیامدهای گوناگون فاجعه بار آنرا که از اذهان مردم زحمتکش کشورمان پاک نشدنی است، در ششم جدی امسال زنده کنیم و خاطرات افتخار آمیز مقاومت حماسی مردمان کشور را در خدمت به برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی بیشتر از پیش به پرورانیم.

ششم جدی ۱۳۵۸ خورشیدی رویداد تاریخی مهمی در تاریخ خونین کشور ثبت گردیده و میتواند سوسیال امپریالیستهای شوروی را به آبهای گرم بحر هند و خلیج فارس برساند و تمام منطقه را آستان حوادث ویرانگر خود بسازد، اما سوسیال امپریالیستها و مزدوران شان آنقدر غرق در نشاط و شادی پیروزی ظاهری شان از یک طرف و مردم آزاری شان از طرف دیگر گشتند که از همت والای مردمان آزادیخواه این خطه غافل ماندند و سرانجام در مقابل فوج عظیمی از توده های پا برهنه قرار گرفته و خواب خوش آنها به یاس و شکست مبدل گردید.

این یاس و شکست نتیجه حماسه آفرینی ها، جانفشانی ها و ایثار و فداکاری مردمان سرزمینی است که خاطرات فراموش ناشدنی شان در ذهن و ضمیر تاریخ کهن کشور و مردمان کشور ثبت و ماندگار شده است و ما با درس آموزی از این مقاومت حماسی، سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را به شدیدترین وجه تقبیح میکنیم و یاد جانباختگان راه استقلال و آزادی را گرامی میداریم و تجدید پیمان میکنیم که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر کنونی و سرنگونی رژیم دست نشانده شان و همچنان بیرون راندن نیروهای اشغالگر مرتجع داعشی از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نماییم و درین مبارزه و مقاومت از پای نخواهیم نشست.

شعله ای را که فروزان شده خاموش مکن!

گور خونین شهیدان به تو آواز دهد

دوستان را مبر از یاد و فراموش مکن!

ما به امید وفای تو گذشتیم زجان!

ما ضمن تقبیح ششم جدی، در شرایط کنونی جامعه از تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و تمام اقشار و طبقات مردمی جامعه اعم از زن و مرد می طلبیم که در اتحاد عمل مبارزاتی و مقاومت همسو و مشترک در چوکات مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان و همچنان اشغالگران مرتجع داعشی، همگام و همصدا شده و دوشاودش هم درین راه گام برداریم.

ما برین باوریم که فقط با برپائی و پیشبرد موفقیت آمیز چنین مبارزه و مقاومتی است که قادر خواهیم بود تمام اشکال ظلم و ستم اجتماعی را از میان برداشته و استقلال و آزادی کشور را به دست آوریم و سپس با ایجاد قدرت ملی مردمی و انقلابی، در مسیر تامین خواست های اساسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده های مردم، به پیش گام برداریم.

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی!

” جنبش انقلابی جوانان افغانستان ”

۶ جدی ۱۳۹۴ (۲۷ دسامبر ۲۰۱۵)

انقلاب

تا به کی این قصه ها و غصه ها؟
تا به کی رنج و غم و رقص عزا؟
تا به کی تلخی به کام توده ها؟
تا به کی این ظلم و دست بیصدا؟
کشور ما غرق هر نوع ماتم است
هستی و این خاک ما در عاطم است
شعله های سرخ را بر پا کنیم
انقلاب آریم و پا برجا کنیم
تا رهانیم این وطن را از محن
برکنیم از بیخ و بن اصل کهن
ملت ما، گر که هست در خون و جنگ
گر که باشد زیر چور و دست ننگ
گر که امروز دشمن ما رنگ - رنگ
بهر قتل توده ها و چور و چنگ
لیک میرانیم چنان با بی کسی
دشمن این خاک خود را چون خسی
تا به کی این مردم ما چون گرا؟
تا به کی این میهن ما در ورا؟
تا به کی دشمن نشیند در وطن؟
تا به کی بغض گلو در هر سخن؟
تا به کی این خشم دشمن، خواب ما؟
خرمنی از ظلم و ننگ در باب ما
تا به کی مزدور و اشغال، هموطن؟
تا به کی روشن نباشیم در سخن؟
پس بخوانیم این سرود را در چمن
بس بود خواب گران ای هموطن!؟
صد هزاران ارتکاب کردند جدا
گرم بزم توده ها را صد بلا
شعله های سرخ را بر پا کنیم
انقلاب آریم و پا برجا کنیم
تا رهانیم این وطن را از محن
برکنیم از بیخ و بن اصل کهن



تا نباشد کشورمان خار و زار
تا نباشد روزگاری تار و مار
تا برافشانیم درفش سرخ رنگ
تا رهانیم خویشتن از ظلم و ننگ
تا بکاریم نسلی از آزادی
محو کنیم هر چه حصار و بندگی
تا به کی، های تا به کی ترفند و درد؟
تا به کی این ملت ما زار و سرد؟
تابکی این زور یانکی برقرار؟!
تابکی این ظالمان اند استوار؟!
های مردم یادتان آید قدیم؟
دشمنان را یک یکی کردیم عدیم!
مستقر گردیم و بهرش مستقر
تا ببینند زهر این بازی قهر
گر بیایید و دهیم دستان خویش؟!
گور کنیم یانکی برین بوستان خویش
شعله های سرخ را بر پا کنیم
انقلاب آریم و پا برجا کنیم
تا رهانیم این وطن را از محن
برکنیم از بیخ و بن اصل کهن
تا به آزادی رسیم ما هر یکی
تا به آبادی رسیم با شوکتی
انقلاب توده بی برپا کنیم
جشن آزادی خود آوا کنیم
تن به تن آواز آزادی دهیم
اقتدار میهنی، شادی دهیم
شعله های سرخ ما پاینده باد
شعر ما و توده ها رزمنده باد
"شعر ما و توده ها و انقلاب"
مرگ و ننگ بر دشمنان در این رکاب



از دفترچه اشعار سیروس (۹ حوت ۱۳۹۴)

سیاست را بر سایر امور مقدم بشماریم

... در وضعیت فلاکتبار و درد انگیز کنونی کشور، جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار پائینی جامعه، یکی از آن بخش های جامعه محسوب میشوند که به شدت آسیب می بینند. این نیروی اجتماعی همچون گوشت دم توپ در جنگ تجاوزکارانه امپریالیست ها و دست نشانندگان شان مورد استفاده قرار میگیرد و بخاطر تامین اهداف و مقاصد ضد ملی و ضد مردمی آنان قربان میشود. در افغانستان تحت اشغال و فاقد استقلال، جوانان کشور در بی سرنوشتی و بی آیندگی فوق العاده شدیدی به سر می برند. بیکاری و فقر، محرومیت از تعلیم و تحصیل، آوارگی و بی خانمانی عوامل دیگری اند که زندگی پر درد و رنج کنونی جوانان افغانستان را رقم می زنند.

جوانان یکی از بخش های حساس جامعه محسوب میشوند و در مسیر تغییرات و تحولات اجتماعی به سرعت به حرکت در می آیند. آنها حامل نیروی عظیم مبارزاتی اند که اگر آگاهانه با سائر قشرها و طبقات تحتانی و زحمتکش جامعه در آمیزند، تبدیل به انبار باروت آماده به انفجار می شوند و خرمن هستی امپریالیست ها و مرتجعین را به آتش می کشند. بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی، مردمی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی، مردمی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار میدهد. در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپائی جنبش وسیع ملی، مردمی و انقلابی جوانان وجود دارد. باید تمامی جویبارهای نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آیند و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی، مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت درآید و بر دژهای اشغالگران و دست نشانندگان شان، یورش برد و ویران شان سازد....

پلاتفرم مبارزاتی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

(۱۳ دلو ۱۳۸۴)

۱۳ **اعلامیه اول می (روز جهانی کارگر)**

۱۵ **سیاست های جهانی**

۱۷ **از تفرقه های ملیتی شدیداً اجتناب کنیم!**

۱۹ **وضعیت زندانیان در زندان های کشور چگونه است؟**

۲۰ **زنده باد هشتم مارچ روز جهانی زن!**

۲۱ **جنايات هولناک امپریالیست های اشغالگر امریکایی**

افشاء می شود

۲۵ **نقش رژیم فعلی در فقر و خانه خرابی توده ها**

۲۷ **علت بیکاری فعلی در افغانستان چیست؟**

در برابر دسیسه های ذاتی امپریالیست ها، زیرک و

هوشیار باشیم! «آنچه را که باید در مورد اعدام شیخ

نمر، بدانیم»

۲۸ **شش ————— جدی! پندی بزرگ، از مقاومت ضد سوسیال**

امپریالیستی

۳۰ **انقلاب (شعر سیروس)**

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان
www.afghanistanarmy.org

پست الکترونیکی (ایمیل):

jawanaan@gmail.com